پیوست
۱۳-۱

شماره ۹، پاییز ۱۳۸۵

# جامعه و اقتصاد

فصلنامه مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد

**سخن نخست**

**بخش اول (اقتصاد ایران):**

**نمک زندگی**
علی رضا قلی

**اقتصاد عراق پیش از تهاجم به خاک کویت (برخی درس ها)**
فریدون برکشلی

**نقش فرهنگ در تولید علم، پیشرفت تکنولوژی و توسعه اقتصادی**
اکرم محمدی

**بررسی اندیشه های اقتصادی ادموند فلپس (برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۶)**
علی صادزاده ، مهدی محمدی

**بخش دوم (اشتغال):**

**اشتغال غیر[illegible] در ایران (مروری بر مطالعات)**
محسن رنانی، ساغر [illegible]

**[illegible]نگاه های اقتصادی و اشتغال صنایع انسانی**
حسن طائی

**اشتغال و بیکاری در دهه ۱۳۸۰**
محمدحسین [illegible]

**بررسی عملکرد تسهیلات خوداشتغالی طی برنامه سوم توسعه در ایجاد اشتغال (مطالعه موردی: استان مرکزی)**
علی چنگی آشتیانی، رضا رفیعی کوهرودی، ابراهیم نبیونی

# اشتغال غیررسمی در ایران

## مروری بر مطالعات

دکتر محسن رنانی*
ساغر باباحیدری**

**چکیده:**

این مقاله نخست به بیان مفهوم بخش غیررسمی در اقتصاد می‌پردازد و این مفهوم را ـ به طور مختصر ـ از سایر مفاهیم مرتبط با فعالیت‌های خارج از حوزه رسمی (مانند اقتصاد غیررسمی، بخش غیرمتشکل، اقتصاد سیاه، اقتصاد زیرزمینی و بخش غیرقانونی) متمایز می‌سازد. سپس با بیان نقش این بخش در اقتصاد، نگاهی کوتاه به شرایط و بسترهای شکل‌گیری بخش غیررسمی در ایران می‌اندازد. در ادامه با مرور مختصری بر تجربه سایر کشورها، به بررسی مهمترین مطالعات مربوط به بخش و اشتغال غیررسمی در ایران می‌پردازد. به این منظور دوازده مطالعه مربوط به حوزه فعالیت‌های غیررسمی در ایران را ـ که در سال‌های پس از انقلاب انجام شده است بررسی و معرفی می‌کند. معیار انتخاب این مطالعه‌ها، محوریت مفهوم بخش غیررسمی یا اشتغال غیررسمی در آنان بوده است. در پایان نیز نتایج مجموعه مطالعات ارائه شده، جمع‌بندی می‌شود.



**مقدمه**

یکی از ویژگی‌های سال‌های پس از انقلاب اسلامی این بوده است که هم در عرصه مدیریت سیاسی و هم در عرصه مدیریت اقتصادی کشور اندیشه‌ها و گرایش‌های متعدد و رقیب، فرصت آزمون خویش را یافته‌اند. البته همه این تجربه‌ها پر هزینه بوده است و حاصل آن در بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی، تورم، بیکاری، کاهش اعتماد عمومی و سرمایه‌های اجتماعی، و سیر نزولی دیگر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی و در یک کلام در کاهش رفاه عمومی جامعه انعکاس یافته است، اما، مهم‌تر از آن، موجب برخی تغییرات ساختاری نامناسب در اقتصاد شده است که اصلاح آن به چندین دهه زمان نیازمند است. در واقع برخی تغییرات در ساختارها و فرایندها، آنچنان آرام، تدریجی و پنهان رخ می‌دهند که گاه عطف توجه به آنها و آنگاه شناخت ماهیت آنها خود نیاز به گذر سال‌های زیادی دارد. در این صورت

---

*عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
**پژوهشگر و کارشناس ارشد اقتصاد

سیاست‌گذارانی که برای اصلاح امور جاری دست به ایجاد تغییر و تحول در قوانین و مناسبات موجود می‌زنند، گرچه نیکخواهانه، اما عمل آنان نتیجه‌ای جز هزینه افزایی در بر ندارد. چرا که ساختارهای پنهان شکل گرفته در این دوران، راه‌ها بر تحول می‌بندند.

یکی از ساختارهایی که شکل‌گیری آن در سال‌های پیش از انقلاب آغاز شد اما بی‌هنجاری‌های پس از انقلاب و سپس جنگ تحمیلی و در پی آن گسترش دولت همراه با ناکارایی و ناکارآمدی، آن را تشدید و تثبیت کرد، بخش غیررسمی است. نسبت بخش غیررسمی با کل اقتصاد همانند نسبت پاره‌ای رشد نیافته از تن آدمی‌است با کل بدن او، که گرچه خون و مواد غذایی می‌ستاند و گرچه نقش خود را در مجموعه تن بازی می‌کند اما یا از مغز فرمان نمی‌برد و یا به علت ناهماهنگی با سایر اجزای بدن نمی‌تواند به رشد کلی بدن کمک کند. بنابراین راه خود می‌رود و ساختار ویژه خود را بر کل بدن تحمیل می‌کند. فردی که بخشی از تنش در فرمان مغز او نیست و ارتباط آن بخش با نظام عصبی کلی بدن قطع است گرچه آن پاره تنش جزیی از وجود اوست و بدون آن زیستن نتواند کرد، اما هر تصمیمی برای بدن خویش می‌گیرد، تحت تأثیر آن پاره مستقل قرار می‌گیرد.

این نکته‌ای است که هنوز و پس از سال‌ها شکست پی‌درپی در سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران سیاست‌گذاران ارشد اقتصادی بدان توجه نداشته‌اند. دولت معمولاً سرخوش از درآمدهای سرشار نفت و با تکیه بر آمارهایی که نه تنها ساخته نظام اداری ناکارآمد خود اوست بلکه تنها از بخش رسمی اقتصاد فراهم آمده است، دست به سیاست‌گذاری می‌زند. گویی پزشکی برای درمان بیماری کل یک بدن، تنها به علایم بالینی بخش سالم یا تحت کنترل یک فرد تکیه کند. حتی هنوز تصویر درستی از مفهوم «غیررسمی بودن» در میان بسیاری از سیاست‌گذاران وجود ندارد. شاهد آن هم سیاست‌هایی است که برای مبارزه با نابهنجاری‌های اقتصادی ناشی از فعالیت‌های غیررسمی اتخاذ می‌شود. در حالی که چند دهه است که اقتصاددانان و به‌ویژه پژوهشگران سازمان بین‌المللی کار می‌کوشند تصویر عمومی بخش غیررسمی را اصلاح کنند و نشان دهند که راه حل، نه مبارزه که‌پذیرش مدیریت، و ارتقاء است. چرا که وجود بخش غیررسمی در واقع انعکاس ناتوانی‌های دولت در انجام وظایف سنتی و مرسوم خود است و تا زمانی که دولت خود اصلاح نشود نمی‌تواند فعالیت‌های غیررسمی را به حوزه رسمی اقتصاد سوق دهد. این واقعیت که واژگانی همچون «بخش غیررسمی»، «اقتصاد غیررسمی»، «بخش غیرمتشکل»

«اقتصاد سیاه»، «اقتصاد پنهان»، «اقتصاد زیرزمینی»، «اقتصاد خاکستری»، «اقتصاد نامنظم»، «اقتصاد غیرقانونی»، «اقتصاد سایه» و نظایر آنها هنوز حتی گاهی در محافل اقتصادی مفهوم روشنی ندارند و به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، بیانگر آن است که در ایران هنوز از مرحله توجه به و شناخت این پدیده هم عبور نکرده‌ایم.

در یک کلام باید گفت دولت در ایران راه خود می‌رود و اقتصاد نیز راه خود. چرا که دولت همه توجهش معطوف به سیاست‌گذاری برای بخش رسمی است و تصمیمات خود را نیز تنها بر پایه آمارهای رسمی مربوط به بخش رسمی اقتصاد می‌گیرد. در حالی که بخش بزرگی از اقتصاد (بین ۳۰ تا ۵۰ درصد) عرصه فعالیت بنگاه‌های غیررسمی است که اصولاً با ویژگی‌هایی شکل گرفته‌اند که بتوانند با ایجاد قدرت انعطاف برای خود از سیاست‌های هزینه افزای دولت بگریزند.این مقاله می‌کوشد تا به نگاهی به مجموعه مطالعات اخیر مربوط به بخش و اشتغال غیررسمی، حساسیت پژوهشگران و سیاست‌گذاران را برای جدی گرفتن این حوزه در تحقیق و سیاست‌گذاری برانگیزاند. امید که در این راه کامیاب باشد.



**مفهوم بخش غیررسمی**[1]

درباره فعالیت‌هایی که در خارج از حوزه رسمی هر اقتصاد انجام می‌پذیرد، مفاهیم اصطلاحات و شاخص‌های متعدد و متفاوتی به کار می‌رود. گرچه درباره نحوه تفکیک و تمایز بین این مجموعه مفاهیم هنوز هیچ تعریف یا روش اجماعی وجود ندارد، اما حداقل با برخی روش‌های سلبی (یعنی به جای این که تعریف کنیم که یک مفهوم چه چیزی هست مشخص کنیم که یک مفهوم، چه چیزی نیست) می‌توان تفاوت‌های اصلی این مفاهیم را شناسایی کرد.

در ادبیات اقتصاد عمده‌ترین مشخصات واحدهای فعال در بخش غیررسمی را آزادی ورود و خروج بنگاه‌ها به و از بازار، اتکاء به منابع داخلی بنگاه و مالکیت خانوادگی، فعالیت در اندازه کوچک، کاربر بودن روش‌های تولید، کوچک و محدود بودن عملیات، اتکاء به منابع داخلی شفاف نبودن روابط کار و مهارت‌های اندک شاغلان بر می‌شمرند[2] (ILO,۱۹۹۳). چنین ویژگی‌هایی واحدهای فعال در بخش غیررسمی را قادر می‌سازد که «فعالیت اقتصادی قانونی» خود را به دور از چشم نظارتی ماموران دولتی دنبال کنند. به عنوان مثال میوه فروش خود اشتغال، به محض آن که یک سیاست دولتی را برای خود پرهزینه یا غیرقابل تحمل می‌بیند

مغازه‌اش را به خرازی فروشی تبدیل می‌کند و باز به محض اعمال سیاست خاصی از سوی دولت در مورد خرازی فروشی‌ها ممکن است مغازه‌اش را به مرغ فروشی تبدیل کند. در واقع ویژگی این فعالیت (اندازه کوچک، کاربر بودن روش‌های تولید، نیاز به سرمایه‌اندک، کوچک و محدود بودن عملیات ...) به گونه‌ای است که به آن اجازه می‌دهد به صورت سیال عمل کند و به راحتی از یک فعالیت یا بازار به فعالیت یا بازار دیگر برود (رنانی، ۱۳۸۰).

بنابراین به علت وجود این ویژگی‌ها، دولت نمی‌تواند سیاست‌ها، استانداردها و قواعد خود را بر فعالیت واحدهای بخش غیررسمی اعمال کند. برای تفکیک مفهوم بخش غیررسمی از سایر مفاهیم مرتبط و نزدیک به آن، در این جا می‌کوشیم تا به طور خلاصه مهمترین ویژگی‌های تفکیک‌کننده بخش یا فعالیت‌های غیررسمی از سایر فعالیت‌ها را برشماریم. البته هیچ تضمینی نیست که مفهومی‌که در مطالعات مربوط به بخش غیررسمی ایران که در این مقاله معرفی خواهند شد از سوی محققین آنها برگزیده شده است با مفهومی‌که در این جا ارائه می‌شود، دقیقاً منطبق باشد. اما تعریف و تفکیکی که در این جا معرفی می‌شود به خواننده کمک می‌کند تا حداقل متوجه تمایز مفهوم بخش غیررسمی از سایر مفاهیم باشد.

برای رسیدن به مفهوم «بخش غیررسمی» نخست کل فعالیت‌های موجود در یک اقتصاد را به دو دسته «فعالیت‌های قانونی» و «فعالیت‌های غیرقانونی» تقسیم می‌کنیم. منظور از قانونی بودن یک فعالیت این است که برای انجام آن فعالیت منع قانونی وجود نداشته باشد و در صورتی که فرد یا بنگاهی دست به آن فعالیت بزند، مجرم حساب نشود. بنابراین فروش مواد مخدر یک فعالیت غیرقانونی است (هم اصل فعالیت یا همان تولید مواد مخدر و هم مبادله محصول، غیرقانونی است) در حالی که فعالیت یک دست فروش همانند فعالیت یک کارگزار بورس سهام، قانونی است. البته در برخی فعالیت‌های قانونی نیز ممکن است برخی مبادله‌های غیرقانونی رخ دهد (مثل دست فروشی که کتاب‌های مستعمل می‌فروشد اما برای مشتریان خاص خود نوارهای ویدئویی غیراخلاقی هم تهیه می‌کند. بنابراین اصل فعالیت دست فروش، قانونی است، اما مبادله نوارهای ویدئویی غیراخلاقی توسط او غیرقانونی است). اکنون مجموعه فعالیت‌هایی که در آنها «مبادله غیرقانونی» انجام می‌شود را «اقتصاد سیاه» می‌نامیم (خواه ماهیت فعالیت، قانونی باشد یا غیرقانونی).

به همین ترتیب فعالیت‌های قانونی (یعنی فعالیت‌هایی که ماهیت تولید یا فعالیت در آنها قانونی است، یعنی انجام آنها جرم محسوب نمی‌شود) را می‌توان به دو دسته فعالیت‌های ثبت

شده (یا قابل شناسایی) و ثبت نشده (یا غیرقابل شناسایی) تقسیم کرد. قبلاً مبادله‌های غیرقانونی که ممکن است در این دو دسته فعالیت‌ها رخ دهد را جدا کرده و در «اقتصاد سیاه» طبقه‌بندی کرده‌ایم. پس اکنون فقط مبادله‌های قانونی این دو دسته فعالیت (ثبت شده و نشده ) را مد نظر داریم. همچنین برخی تولیدات یا خدمات ممکن است در بنگاه‌ها یا فعالیت‌های قانونی وجود داشته باشد که اصولاً مبادله (خرید و فروش) نمی‌شوند. مثلاً مدرسه‌ای (یک واحد اقتصادی رسمی) که اجازه می‌دهد خانواده سرایدارش در محل مدرسه زندگی کند، خدماتی به سرایدار ارائه می‌دهد که قیمت آن (اجاره) را از او دریافت نمی‌کند. یا در خانواده‌ها (به عنوان واحدهای اقتصادی غیررسمی)، زنان خانه دار خدماتی ارائه می‌کنند (خیاطی، شست و شو و نظایر آنها) که قیمت آن را دریافت نمی‌کنند. این گونه خدمات و تولیداتی که برای آنها مبادله بازاری وجود ندارد را نیز نادیده می‌گیریم (معمولاً در ادبیات این حوزه، مجموعه فعالیت‌هایی که در آنها مبادله انجام نمی‌شود را با مسامحه به عنوان بخش خانوار طبقه‌بندی می‌کنند).

بنابراین، آنچه از فعالیت‌های اقتصادی باقی می‌ماند، آن بخش از فعالیت هاست که اولاً قانونی هستند و ثانیاً در آنها کالاها یا خدمات تولید شده، به صورت بازاری مبادله می‌شوند و این مبادله نیز قانونی است. اکنون از این فعالیت‌ها، آن بخش را که دستگاه‌های دولتی مربوطه نتوانند بر فعالیت و مبادلات آنها نظارت کنند، یا آنها را ساماندهی کنند و یا استانداردها و سیاست‌های خاصی را بر آنها تحمیل کنند، «بخش غیررسمی» می‌نامیم. در این صورت بخش غیررسمی دربرگیرنده مجموعه فعالیت‌های قانونی است که در آنها کالاها و خدمات تولیدی، مبادله می‌شوند و این مبادله نیز قانونی است. خود فعالیت (یا واحد اقتصادی) نیز ممکن است به طور رسمی ثبت شده یا ثبت نشده باشد، اما ماهیت و ویژگی فعالیت (یا بنگاه) به گونه‌ای است که دولت نمی‌تواند آن را نظارت، ساماندهی یا سیاست‌گذاری کند. و در صورتی که دولت بکوشد چنین کند، ماهیت بنگاه به گونه‌ای است که به راحتی می‌تواند خود را از نظارت و مدیریت دولت مخفی یا دور کند (رنانی، ۱۳۸۴)[۳].

اکنون که مفهوم بخش غیررسمی تا حدودی روشن شد، می‌توان یکی دو مفهوم دیگر را نیز معرفی کرد. اگر آن دسته از فعالیت‌های بخش غیررسمی را که بنگاه‌های آن ثبت نشده هستند در نظر بگیریم و آن را با فعالیت‌های بخش خانوار (بخشی که مبادله بازاری نداشت) جمع کنیم «بخش غیرمتشکل» را شناسایی کرده‌ایم. همچنین اگر فعالیت‌های «بخش غیرمتشکل» را با

«اقتصاد سیاه» جمع کنیم، «اقتصاد غیررسمی» را دست آورده‌ایم، که در برابر «اقتصاد رسمی» قرار می‌گیرد. اقتصاد رسمی نیز شامل بخش رسمی (یعنی فعالیت‌های قانونی که بنگاه‌های آنها ثبت شده هستند و اصل فعالیت و مبادله‌های آن نیز توسط دستگاه‌های دولتی مسئول، قابل نظارت است) بعلاوه آن قسمت از فعالیت‌های بخش غیررسمی است که در بنگاه‌های ثبت شده رخ می‌دهد. جمع اقتصاد رسمی و غیررسمی نیز کل حجم فعالیت‌های یک اقتصاد را نمایان می‌سازد.

**زمینه‌ها و پیامدهای بخش غیررسمی**

همان گونه که آمد، بخش غیررسمی در یک اقتصاد، بخشی است خود مختار که به علت عدم سازگاری سیاست‌ها و قوانین دولتی با ماهیت و ساختار فعالیت‌های آن اقتصاد و نیز به علت ناکارایی و ناتوانی اداری دولت، شکل گرفته است و به سادگی می‌تواند مانع تحمیل سیاست‌های دولت بر خویش شود. در واقع ویژگی‌های ذکر شده برای بخش غیررسمی توان دولت را در اعمال سیاست‌های اقتصادی، مالی، نظارتی و به ویژه در اعمال استانداردها برای فعالیت‌های غیررسمی کاهش می‌دهد. به دلیل همین ویژگی یعنی حداقل تأثیرپذیری از قوانین و مقررات دولتی است که توصیه می‌شود بخش غیررسمی به عنوان یکی از علل شکست سیاست‌های دولت در حوزه اشتغال و تولید مورد بررسی قرار گیرد. در واقع اگر بخش غیررسمی در فعالیت‌های اقتصادی سهم بالایی را به خود اختصاص دهد می‌توان گفت بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی امکان گریز از و عدم تمکین نسبت به سیاست‌های دولت را دارا می‌باشند.

از سوی دیگر، از آن جا که فعالیت‌های غیررسمی معمولاً فاقد نماینده در عرصه مدیریت اجتماعی هستند، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها فارغ از نیازها و اقتضائات آن بخش تدوین می‌گردند و بنابراین به ناکارایی سیاست‌های دولت دامن زده می‌شود و این نیز در گام بعدی به گسترش بیشتر و بیشتر بخش غیررسمی می‌انجامد. در چنین وضعیتی است که جامعه متحمل هزینه‌های سنگین ناشی از ناکارایی سیاست‌های اقتصادی می‌گردد. اما گسترش بخش غیررسمی پیامدهای دیگری نیز دارد. گسترش فعالیت‌های غیررسمی بدین معناست که بسیاری از کارآفرینان که توانایی‌های بالقوه برای مشارکت در فرایندهای تولید بزرگ مقیاس و مرزی را دارند، به واسطه چارچوب‌های نامناسب نهادی (برای مثال قوانین و مقررات نامناسب، ناکارایی و پیچیدگی

دیوانسالاری دولتی، تحمیل هزینه‌های گزاف توسط دولت برای ثبت فعالیت‌های اقتصادی بی‌ثباتی قوانین و ...) به این بخش روی آورده‌اند؛ این مسئله سبب تخصیص نادرست منابع و کاهش بهره‌وری می‌گردد (Kuchta- Helbling , ۲۰۰۰).

همان‌گونه که در قسمت بعد نشان داده می‌شود، بخش غیررسمی در غیاب یک سیستم قضایی کارآمد و حقوق مالکیت حفاظت نشده با سرعت بیشتری رشد می‌یابد. در واقع در چنین شرایطی حقوق مالکیت فعالان اقتصادی به خوبی حفاظت نمی‌شود این وضعیت تا حدود زیادی بخش رسمی و غیررسمی را یکسان متأثر می‌سازد (تحمیل هزینه مبادله[۴]). اما از آن جا که فعالیت‌های بخش رسمی علاوه بر هزینه‌های معمول تولیدی، مجبور به تحمل هزینه‌هایی همچون مالیات، هزینه‌های مربوط به اجرای استانداردها و سایر قوانین می‌باشند از این نظر، در مقایسه با فعالیت‌های غیررسمی با نوعی عدم مزیت روبه رو می‌شوند. درواقع در چنین شرایطی بخش غیررسمی می‌تواند به عنوان رقیبی تهدیدگر برای بخش رسمی تلقی گردد. بنابراین در این وضعیت می‌توان انتظار داشت که روز به روز از انگیزه فعالیت‌های رسمی کاسته و به حجم و سهم فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد افزوده گردد (Kuchta- Helbling , ۲۰۰۰) .



به عنوان یک شاخص نسبتاً فراگیر، شاخص کارایی عمومی‌دولت می‌تواند کارایی و کارآمدی[۵] دولت در انجام وظایف سنتی و مرسوم آن را نمایندگی کند. به دیگر سخن، اگر فعالیت دولت به طور کلی کارآمد و کارا باشد، می‌توان انتظار داشت که دولت در انجام تک تک وظایف سنتی و مرسوم خود نیز کارا و کارآمد عمل کند. برای مثال بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد ثبت قانونی یک فعالیت اقتصادی (مثلاً ثبت یک شرکت اقتصادی برای انجام یک فعالیت کوچک مقیاس) در مناطق مختلف دنیا هزینه‌های متفاوتی دارد. مثلاً در اواسط دهه ۹۰، هزینه ثبت یک بنگاه رسمی کوچک در سائوپائولو[۶]، به طور متوسط ۶۴۰ دلار بوده و حدود ۶ هفته نیز انجام اقدامات قانونی لازم برای ثبت بنگاه به طول می‌انجامیده است. ثبت چنین بنگاهی در سانتیگو[۷]، به طور متوسط ۷۳۹ دلار هزینه داشته و حدود ۸ هفته نیز طول می‌کشیده است.

در بهار سال ۲۰۰۰ ثبت یک بنگاه اقتصادی در مونتنگرو[۸] به طور متوسط با ۵۰۰۰ دلار و با انجام ۳۸ مرحله امکان‌پذیر بوده است. در حالی که ثبت قانونی یک بنگاه اقتصادی در کانادا به طور متوسط تنها ۲۸ دلار هزینه داشته و شامل دومرحله (معادل ۲ روز کاری) بوده است

(Kuchta-Helbling, ۲۰۰۰). روشن است که این تفاوت حاکی از بالا بودن کارایی عمومی‌دولت در کانادا، نسبت به سه کشور دیگر، است و به همین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هزینه مبادله برای فعالیت‌های اقتصادی در کانادا، به طور نسبی، کمتر از کشورهای دیگر (یاد شده در بالا) است.

جدای از هزینه مبادله، تحمیل چنین هزینه‌هایی به هنگام ثبت یک فعالیت اقتصادی، نیز به خودی خود می‌تواند زمینه‌ساز گسترش بخش غیررسمی باشد. چرا که بنگاه‌ها باید منابع قابل توجهی را برای اجرای قوانین دولتی اختصاص دهند. بنابراین فعالان اقتصادی می‌کوشند تا با دور زدن قوانین، این‌گونه هزینه‌ها را از خود دور کنند و این به معنی انجام فعالیت‌ها به‌صورت غیررسمی است. به عنوان مثالی دیگر از مواردی که بالا بودن هزینه‌های قانونی موجب سوق دادن فعالیت‌ها به بخش غیررسمی می‌شود، می‌توان بالا بودن نرخ مالیات را برشمرد.

نرخ بالای مالیات با کاهش حاشیه سود، انگیزه فعالیت به صورت غیررسمی را ایجاد می‌کند (برای گریز از مالیات). همچنین اجرای قوانین کار همانند تحمیل یک هزینه ثابت برای بنگاه‌ها عمل می‌کند (مانند مالیات یکجا). بنابراین تحمل هزینه‌های ناشی از اجرای قوانین کار برای بنگاه‌هایی که درآمد اندک دارند، بسیار دشوار است و آنها را به‌سوی انعطاف‌پذیری و به کارگیری نیروی کار غیررسمی تشویق می‌کند(loayza,۱۹۹۶).

همان گونه که آمد، بخش غیررسمی را مجموعه فعالیت‌هایی شکل می‌دهد که با قواعد نهادی وضع شده (مانند قوانین مالیات) توافق ندارند، یعنی به علت وجود انعطاف‌پذیری در آنها، به راحتی می‌توانند قواعد نهادی را دور بزنند (Feige ,۱۹۹۰). بنابراین گسترش بخش غیررسمی و پیوستن بنگاه‌های بیشتری به این بخش (و متعاقب آن پرداخت کمتر یا عدم پرداخت مالیات) عایدی دولتی را کاهش می‌دهد. در نتیجه از منابع بودجه دولت برای ارائه کالاها و خدمات عمومی‌کاسته می‌گردد. بر این اساس در کشورهایی که دولت امکان فروش منابع طبیعی و کسب درآمد ندارد ـ کیفیت ارائه خدمات دولتی کاهش می‌یابد، آنگاه بارمالیاتی برای سایر بنگاه‌ها افزایش یافته و بنگاه‌داران بیشتری به خروج از بخش رسمی و فعالیت در بخش غیررسمی تشویق می‌گردند (Kuchta- Helbling , ۲۰۰۰).

ناهماهنگی و عدم سنخیت نظام‌های آمارگیری رسمی سنتی کشورها با ویژگی‌های بخش غیررسمی باعث شده است که این فعالیت‌ها در آمارهای رسمی منعکس نگردند[۹]. این

موضوع نه تنها باعث گردیده سیاست‌های اقتصادی داخلی بدون توجه به اقتضائات بخش غیررسمی و توانایی آن در عدم تمکین از آن سیاست‌ها ـ تدوین شود، بلکه موجب بی‌توجهی و خطای در تصمیمات دولت‌ها در برخورد با مسئله پیوستن به اقتصاد جهانی شده است. از این گذشته، عدم وجود اطلاع دقیق در مورد فعالیت‌های بخش غیررسمی هر کشور که در آمارهای رسمی مربوط به GDP گزارش نمی‌شود، می‌تواند همکاری سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی را با کشورهایی که دارای بخش غیررسمی قابل توجه می‌باشند تحت تاثیر قرار دهد و حتی موجب اتخاذ برخی سیاست‌های زیانبار برای آنها شود (Kuchta- Helbling , ۲۰۰۰).

به طور خلاصه هر چند حضور بخش غیررسمی نتیجه شکست نهادها ـ به‌ویژه دولت برای ایجاد یک اقتصاد کارای بازاری و ضعف در ساختارها و قواعد بازی است (Loayza,۱۹۹۶)، اما وجود بخش غیررسمی گسترده در یک اقتصاد از اعتبار و توان دولت در اعمال سیاست‌هایش می‌کاهد، یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت (مالیات) را تحت تاثیر قرار می‌دهد، گستره رقابت را مخدوش و در نهایت فرایند پیوستن به اقتصاد جهانی را تضعیف و پرهزینه می‌سازد. همچنین به علت آن که واحدهای این بخش از بهره‌وری اندکی برخوردارند نتایج قابل توجهی را تخصیص منابع، توزیع درآمد و به طور کلی برای رشد و توسعه به همراه دارد.

در ایران، بدون چاره‌جویی برای این وضعیت و بدون شناخت ساختار و ساز و کار بخش غیررسمی، بعید است که سیاست‌های توسعه‌ای دولت به سرانجام مطلوبی برسد، به‌ویژه آن که اقتصاد ایران به زودی به نقطه‌ای خواهد رسید که دولت باید در مورد پیوستن آن به اقتصاد جهانی اتخاذ تصمیم کند. در چنین شرایطی گستردگی بخش غیررسمی مانعی بزرگ و پرهزینه برای این امر محسوب می‌شود. اما نباید فراموش کرد که راه حل، مبارزه به فعالیت‌های غیررسمی نیست. بخش غیررسمی هم اکنون بخش بزرگی از بار اشتغال کشور را بر دوش می‌کشد و این خدمت اندکی نیست. از این گذشته این بخش با رها کردن خود از درگیر شدن با دیوانسالاری ناکارای دولتی، هزینه‌های تولیدی خود را کاهش و امکان تداوم فعالیت تولیدی را در ایران در شرایط بی‌ثبات اقتصادی و سیاسی فراهم کرده است. این‌ها همه کارکردهای مثبت این بخش است. اما بی‌گمان اقتصاد ایران در بلند مدت نمی‌تواند با داشتن یک بخش غیررسمی بسیار بزرگ، تن به قواعد بازی در اقتصاد جهانی بسپارد.

**زمینه‌های گسترش بخش غیررسمی در ایران**

از دیدگاه علم اقتصاد، برقراری تعادل سراسری در اقتصاد وابسته به برقراری تعادل در بازار کار است. در واقع بازار کار، پیوند دهنده طرف عرضه و طرف تقاضای اقتصاد می‌باشد. نقش بازار کار در اقتصاد آنچنان گسترده است که گاهی آن را بازار لولایی اقتصاد یا بازار مادر می‌نامند. همچنین کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار به عنوان یکی از شرایط لازم برای تحقق کارایی در بازارهای کالایی به شمار می‌رود. درواقع بدون وجود یک بازار کار پیشرفته منعطف و رقابتی، گفت و گو از اقتصاد بازار بی‌معنی می‌نماید. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها نیز بدون ملاحظه ساختار و شرایط بازار کار، معمولاً با ناکامی‌روبه رو می‌شوند.

در ادبیات اقتصادی پدیداری بازار کار به نهضت حصار کشی اروپا پیوند می‌خورد. با نهضت حصارکشی، رعایا از زمین آزاد شدند و وابستگی تاریخی آنان با زمینی که در آن کار می‌کردند گسسته شد. بنابراین نیروی کار که تا آن زمان مجبور بود صرف نظر از اقتضائات اقتصادی تخصیص در همان زمینی که از نظر حقوقی بدان وابسته است کار کند، آزادی جابه‌جایی به دست آورد. اکنون کارگران می‌توانستند نیروی کار خود را هر کجا و به هر کس که تمایل داشته باشند، بفروشند. بدین ترتیب، بازار کار با مفهوم اولیه آن شکل گرفت[۱۰].

اما پدیداری بازار کار در ایران به مفهوم مدرن آن را می‌توان مقارن با اصلاحات ارضی دانست. در واقع، بخش اعظم نیروی کار کشور، تا چهار دهه پیش به زمین وابسته بود. پیش از انقلاب مشروطیت، اقتصاد ایران یکسره کشاورزی و معیشتی بود. گر چه از عصر صفویه به این سو و حتی پیش از آن می‌توان صنایع، حرفه‌ها، پیشه‌ها و حتی بازارچه‌ها را ملاحظه کرد، اما سهم این گونه فعالیت‌ها در مقایسه با فعالیت‌های روستایی، کشاورزی و خود معیشتی در کل کشور بسیار ناچیز می‌نمود. بنابراین اقتصاد ایران پیش از انقلاب مشروطیت را به هیچ روی نمی‌توان واجد شرایط لازم برای پدیداری بازار به مفهوم مدرن دانست.

پس از انقلاب مشروطیت نیز گر چه به تدریج، با هدایت دولت و به کمک درآمدهای نفتی صنایع جدید وارد ایران شد، اما سازوکار بازار، جز در حوزه‌های شهری بزرگ و در زمینه‌های صنعتی و خدماتی (آن هم بیشتر محلی و نه ملی) شکل نگرفت. بنابراین با اندکی مسامحه می‌توان وقوع اصلاحات ارضی را نقطه آغازین انفجار نیروی کار متحرک و شکل‌گیری فراگیر بازارهای کار در ایران دانست. به گونه‌ای که با اصلاحات ارضی اصلی‌ترین مانع پدیداری یک اقتصاد بازاری یعنی وابستگی نیروی کار به زمین در ایران حذف شد.

بنابراین می‌توان گفت یک ابزار نابازاری (مداخله دولت و بازتوزیع حقوق مالکیت زمین از طریق اصلاحات ارضی) بستر و زمینه شکل‌گیری بازار کار مدرن را در ایران رقم زد. اما دیری نپایید که در فرایند حرکت ایران از یک اقتصاد سنتی به سوی اقتصاد مدرن، به علت وجود درآمدهای نفتی سرشار، بر نقش و مداخله دولت افزوده گردید و دولت با تکیه بر این درآمدها، به جای انجام وظایف سنتی و مرسوم که همواره در ایران ناقص و ناکارا به آنها پرداخته شده است بر دامنه فعالیت‌های تصدی گرانه خود افزود.

به بیان دیگر مسیر نوسازی (مدرنیزاسیون) با ورود مداوم تکنولوژی خارجی دارای ویژگی سرمایه‌بری قابل توجه و کاربری اندک و حمایت دولت از صنایع مدرن و پیشرفته همراه گردید. این راهبرد برای کشوری همانند ایران که دارای روش‌های تولیدی سنتی خاص خویش و نیروی کار ماهر در آن زمینه‌ها بود، به عقب گرد فنی و نابودی دانش خود آموخته‌ای که طی قرنها تکامل یافته بود منتهی گردید. مواجه شدن کشور با کمبود سرمایه انسانی و نیروی کار ماهر در صنایع مدرن و فراوانی نیروی کار غیرماهر و ساده از جمله مهمترین پیامدهای این ساز و کار بود. کم توجهی به روستاها پس از اصلاحات ارضی درحالی که نقش بزرگ مالکین نیز در مدیریت روستاها حذف شده بود مهاجرت روستائیان به مناطق شهری را در پی داشت.



به علت عدم توان کافی بخش مدرن برای اشتغال زایی کافی و نیز فقدان نظام آموزش حرفه‌ای برای ارتقاء توانایی‌های نیروی کار جدید (تشکیل سرمایه انسانی) بیش از پیش بر شکاف عرضه و تقاضای نیروی کار افزوده شد و بدین ترتیب بازار کار از تعادل نسبی تاریخی خود خارج گردید. این شکاف گسترش یابنده در بازار کار، در شرایطی که فقدان نظام تامین اجتماعی فراگیر و رسمی و نیز فقدان ضوابط قانونی جدی برای تنظیم روابط کار، نیز بسترهای لازم را فراهم کرده بود، زمینه مساعدی برای ورود گسترده نیروی کار به بخش غیررسمی محسوب می‌شد. درواقع دخالت دولت در اقتصاد و نحوه سیاست‌گذاری آن، زمینه گسترش اشتغال غیررسمی را در ایران رقم زد.

به دیگر سخن، نیروی کار در پاسخ به الگوی توسعه ناهمگون، فعالیت در بخش غیررسمی را برگزید. مجموعه این شرایط در سال‌های پس از انقلاب اسلامی‌نیز، به علت بی‌ثباتی‌های پس از انقلاب، تداوم یافت و تشدید شد. ممکن است این پرسش پدید آید که چرا پیش از اصلاحات ارضی که تقریباً بخش اعظم اقتصاد ایران (به جز بخش نفت) خارج

از کنترل دولت بوده است را دوره گسترش بخش غیررسمی نمی‌دانیم. باید به یاد داشته باشیم که گستره بزرگی از اقتصاد ایران تا پیش از اصلاحات ارضی در بخش کشاورزی متمرکز بوده است. ساختار بخش کشاورزی نیز عمدتاً معیشتی و روستایی بوده است. اصولاً در برخی مطالعات مربوط به بخش غیررسمی، به‌ویژه در کشورهای عقب مانده، بخش کشاورزی را کاملاً حذف می‌کنند به همین دلیل که این بخش اصولاً خارج از سازوکار اقتصاد جدید عمل می‌کند. در واقع در نگاه به بخش غیررسمی، فرض بر این است که دولت در تلاش است تا وظایف سنتی و کلاسیک خود را در قبال اقتصاد جدید انجام دهد (مانند تعریف استانداردها حفاظت از حقوق مالکیت، کاهش هزینه مبادله ...) و حتی برخی وظایف مدرن را بر عهده بگیرد (تنظیم بازارها، حذف آثار خارجی، وظایف توزیعی، کاهش بی‌ثباتی‌های اقتصاد بهینه‌سازی تخصیص منابع عمومی‌و ...).

در این شرایط است که برخی فعالیت‌ها ـ به علت دارا بودن ویژگی‌های خاصی می‌توانند خارج از حوزه نظارت و سیاست‌گذاری دولت عمل کنند و به علت داشتن قدرت انعطاف بالا می‌توانند سیاست‌های دولت را با شکست مواجه کنند. اما در شرایطی که نه اقتصاد، ساختار و سازوکار مدرن دارد و نه دولت به طور جدی عزمی‌برای مدیریت عمومی‌اقتصاد و تنظیم آن دارد، مسئله‌ای به نام بخش غیررسمی نیز موضوعیت ندارد.

همان گونه که آمد، انفجار عواید نفت نه تنها پی ریزی یک الگوی توسعه‌ای غیربومی‌برای اقتصاد ایران از سوی دولت را تسهیل نمود، بلکه تکیه دولت به درآمدهای نفتی، این نهاد سیاست‌گذار را به سوی فعالیت‌های تصدی‌گرانه ( به جای توجه جدی به وظایف مرسوم ) سوق داد. نتیجه این فرایند را می‌توان در ناکارآمدی بوروکراسی دولتی، بالا بودن هزینه مبادله، فقدان بازارهای مالی پیشرفته و یکپارچه و عدم کارایی نظام قضایی (حقوق مالکیت حفاظت نشده) مشاهده کرد. این عوامل نهادی نیز به نوبه خود با افزایش هزینه فعالیت در بخش رسمی موجب سوق داده شدن نیروی کار به سوی بخش غیررسمی شدند.

در واقع وجود درآمد نفت به طور تاریخی دولت در ایران را از نگرانی برای اتخاذ سیاست‌های کارآمد و عملکرد کارای دستگاه‌های دولتی فارغ ساخته است. بنابراین ناکارایی قوانین مصوب، عدم تطابق و ناهماهنگی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران، بی‌ثباتی و عدم شفافیت قوانین و مقررات و نظایر آنها موجب افزایش شدید هزینه مبادله در اقتصاد ایران شده است. این نیز به نوبه خود تناسب لایه‌های سه‌گانه

مدیران اقتصادی (مدیران خالق فرصت، مدیران کاشف فرصت و مدیران مرسوم) را در ایران به هم زده است و نتیجه آن نیز در عدم شکل‌گیری گسترده بنگاه‌های خصوصی بزرگ و میان مقیاس انعکاس یافته است.

در واقع، وجود این شرایط در بلند مدت، انگیزه مدیران برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی بزرگ مقیاس (که درجه تحرک و توان خروج از بازار در آنها کم و در واقع امکان گریز و عدم تمکین نسبت به سیاست‌های دولت در آنها پایین است) را از بین می‌برد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادیی که بتوانند هم بدون نیاز به سرمایه زیاد شکل بگیرند (تأمین سرمایه از خارج از بازارهای مالی رسمی) و هم بتوانند برای کاهش هزینه‌ها خارج از مقررات رسمی عمل کنند گسترش یافت. به دیگر سخن، مجموعه شرایط یاد شده، محیط اقتصاد ایران را برای گسترش فعالیت‌های غیررسمی مهیا ساخت.

از دیدگاه علم اقتصاد، مهمترین وظایف سنتی دولت‌ها، عبارتند از: برقراری امنیت تعریف استانداردها، انتشار پول و حفاظت از حقوق مالکیت. وظیفه برقراری امنیت، خود دربرگیرنده دو بخش است:

نخست تأمین امنیت شهروندان در برابر تعرض خارجیان است. این وظیفه نه تنها اشاره به شرایط دفع تجاوز خارجی دارد بلکه به طور ضمنی به معنی برقراری شرایط صلح پایدار و بلندمدت نیز می‌باشد. در واقع تأمین ثبات پایدار در مناسبات خارجی کشور نیز جزئی از وظیفه «تأمین امنیت» دولت است.

به دیگر سخن وجود شرایط بی‌ثبات در مناسبات خارجی از دیدگاه فعالین اقتصادی نوعی شرایط جنگی تلقی می‌شود. در شرایط جنگی واقعی، حقوق مالکیت فعالین اقتصادی در مورد دارایی‌های موجود (بالفعل) شان در معرض تهدید است در حالی که در شرایط بی‌ثباتی مناسبات خارجی، حقوق مالکیت آنان در مورد دارایی‌های آینده (بالقوه) شان در معرض تهدید است. دولتی که این شرایط را به خوبی محقق نکند، هزینه‌های احتمالی (ریسک) بر فعالین اقتصادی تحمیل می‌کند.

دومین بخش از امنیت نیز به تامین امنیت داخلی بازمی‌گردد. هر نوع ناتوانی دولت در ایجاد امنیت داخلی نیز به منزله وجود احتمال تعرض بالقوه به حقوق مالکیت آنان در دارایی‌هایشان تلقی می‌شود.

بدون تعریف رسمی انواع استانداردها (به عنوان وظیفه دوم دولت) نیز کسی نمی‌داند چه

چیزی مبادله می‌کند. در این صورت افراد مجبورند خودشان با صرف هزینه کمیت و کیفیت کالاهایی که قصد مبادله دارند را اندازه بگیرند. تعریف استانداردهای اندازه‌گیری (اوزان و مقیاس‌ها) و استانداردهای کالایی، بهداشتی و نظایر آنها، فعالین اقتصادی را از صرف هزینه برای تحقیق در مورد کم و کیف کالاها و خدماتی که مبادله می‌کنند، معاف می‌دارد.

در واقع استانداردها، انجام مبادله‌های اقتصادی را تسهیل و کم هزینه می‌سازند. همین نقش را پول نیز بازی می‌کند. در واقع پول نه تنها ابزار اندازه‌گیری ارزش کالاها است، بلکه خود ابزار مبادله نیز هست. بدون پول مردم باید هم در مورد ارزش برابری تک تک کالاهایی که می‌خواهند با هم مبادله کنند تصمیم بگیرند و هم در مورد کالایی که به عنوان عوض کالای مورد مبادله باید بپردازند. پول هم زمان هر دو کار را می‌کند. به دیگر سخن، انتشار پول (با فرض فقدان تورم) نوعی استانداردسازی اندازه‌گیری کالاهاست. بنابراین انتشار پول و البته حفظ ارزش آن نیز بخشی از وظیفه دولت در تعریف استاندردها تلقی می‌شود.

نهایتاً حفاظت از حقوق مالکیت توسط دولت این تضمین را به افراد و فعالین اقتصادی می‌دهد که حاصل رنج آنها برای خود آنها محفوظ می‌ماند. هرگونه فعالیت اقتصادی به سان اقدامی مخاطره آمیز است برای سودی محتمل. کدام غواصی حاضر است با به خطر انداختن خود به صید مرواریدی برود که معلوم نیست از آن او خواهد بود یا نه؟ حفاظت از حقوق مالکیت البته دو بخش دارد. نخست تعریف حقوق است که از طریق تصویب قوانین عام همراه با صدور اسناد مالکیتی[11] خاص انجام می‌گیرد. دوم نیز تضمین حقوق است که نیازمند استقرار یک دستگاه دادگستری کارآمد[12] است.

با یک نگاه دقیق در می‌یابیم که انجام تمامی وظایف یادشده، عمدتاً در جهت تحقق یک شرط مهم برای فعالیت‌های اقتصادی، یعنی کاهش هزینه مبادله، است. به دیگر سخن، ناامنی و بی‌ثباتی، فقدان استاندارد برای کالاها، خدمات و فعالیت‌ها، فقدان ابزار ارزان برای اندازه‌گیری ارزش کالاها و مبادله آنها (پول)، و فقدان حفاظت از حقوق مالکیت، همگی بر فعالیت‌های اقتصادی هزینه‌هایی تحمیل می‌کنند که با اندکی مسامحه می‌توان آنها را جزء هزینه‌های مبادله[13] به حساب آورد. بررسی ترکیب هزینه‌های امور اقتصادی، امور اجتماعی و بخش مربوط به حقوق مالکیت در امور عمومی دولت، در دهه‌های اخیر، بیانگر این نکته است که توجه اصلی دولت در ایران در این دوره عمدتاً بر امور اقتصادی و اجتماعی معطوف بوده است و اگر تغییر جهت‌گیری نیز وجود داشته، به سوی جابه‌جایی بین این دو امور بوده است.[14]

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که گسترش مداخله دولت در اقتصاد ایران در سال‌های پس از دهه چهل شمسی، بدون آن که دولت وظایف سنتی و مرسوم خود را به گونه‌ای کارا و کارآمد انجام داده باشد، عمدتاً به گسترش هزینه مبادله در اقتصاد ایران انجامیده است. برخی مطالعات اخیر نیز بیانگر تشدید این وضعیت در سال‌های اخیر است.[۱۵] بدین ترتیب می‌توان گفت که شرایط لازم برای گسترش فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد ایران، در دهه‌های اخیر، کاملاً مهیا بوده است.بنابراین به عنوان جمع‌بندی باید گفت: با اصلاحات ارضی در دهه چهل شمسی و سپس رشد قابل توجه درآمد نفت در اوایل دهه پنجاه در ایران و در نتیجه آن تشدید حضور دولت در عرصه اقتصاد (هم به عنوان رقیب و هم به عنوان ناظر فعالیت بنگاه‌ها) بخش غیررسمی که تا آن زمان هم به علت حضور کم رنگ دولت در اقتصاد و هم به علت کشاورزی و معیشتی بودن بخش عمده اقتصاد، هنوز موضوعیت و هویت تأثیرگذاری نیافته بود گسترش جدی یافت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی‌نیز، هم به علت گسترش نظارت و مداخله دولت در اقتصاد و هم به علت در هم ریختگی نهادی و قانونی، هزینه‌های مبادله و در پی آن، هزینه فعالیت در بخش رسمی سنگین‌تر شد و بنابراین فعالیت‌های بیشتری به بخش غیررسمی سوق داده شد. مجموعه شواهد موجود حاکی از این است که این روند همچنان تداوم دارد و بنابراین از دیگاه نظری انتظار می‌رود اقتصاد ایران با یک بخش غیر رسمی قابل توجهی رو برو باشد. مجموعه مطالعات سال‌های اخیر در مورد بخش غیررسمی نیز این انتظار نظری را تأیید می‌کنند. نتایج مقایسه‌ای برخی از مطالعات یاد شده در بخش‌های بعدی ارائه می‌شود.



**تجربه بخش غیررسمی در سایر کشورها**

سازمان بین‌المللی کار[۱۶] (ILO) مهمترین نهاد بین‌المللی است که به طور جدی رسالت تحقیق و بررسی پیرامون بخش غیررسمی را به عهده داشته و دارد. این سازمان در سال ۱۹۹۳ در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار[۱۷] در جهت پاسخگویی به نیاز نظام‌های آماری در ارتباط با جمع‌آوری اطلاعات و آمار بخش غیررسمی، معیارهایی به منظور عملیاتی نمودن مفهوم این بخش در قالب بنگاه‌های خود اشتغالی[۱۸] و بنگاه‌های کارفرمایی[۱۹] به شرح زیر ارائه نمود:

الف) در مورد بنگاه‌های خود اشتغال، بسته به شرایط ملی، همه بنگاه‌های خود اشتغال یا تنها آن دسته از بنگاه‌هایی که تحت شکل خاصی از قوانین ملی ثبت نمی‌شوند، جزء بخش غیررسمی هستند.

ب) در مورد بنگاه‌های کارفرمایی، بسته به شرایط ملی، بنگاه‌هایی که زیر سطح مشخص از اشتغال فعالیت می‌کنند و یا بنگاه و کارکنانش مشمول برخی یا همه قوانین ملی نمی‌باشند متعلق به بخش غیررسمی هستند.

اما علی‌رغم معیارهای ارائه شده برای اندازه‌گیری بخش غیررسمی از جانب ILO، مروری بر تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که تعاریف مورد استفاده از بخش غیررسمی کاملاً مشابه و منطبق با تعریف پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان کار ILO نیست. تعاریف غالباً از نظر منابع اطلاعاتی، گستره جغرافیایی، شاخه‌های فعالیت‌های اقتصادی تحت پوشش، انتخاب معیار مورد استفاده برای تعریف بخش غیررسمی و نهایتاً از نظر عملیاتی کردن این معیارها با هم متفاوتند (بدون سال، Mehran and Hussman).

مرسوم‌ترین منابع اطلاعاتی، برآوردهای مربوط به نیروی کار و یا برآوردهای ترکیبی از مشخصات خانوار و نیروی کار و یا برآوردهای مربوط به آمار موسسات و بنگاه‌ها است. سایر منابع شامل برآوردهای ترکیبی هزینه درآمد خانوار و برآوردهای مربوط به فعالیت‌های اقتصادی خانوار می‌باشد.

در بسیاری از کشورها به ویژه در امریکای لاتین و افریقا اطلاعات در مورد بخش غیررسمی تنها برای مناطق شهری قابل دسترس است. در برخی از کشورها برآوردهای مربوط به بخش غیررسمی به شهرهای بزرگ و پایتخت کشورها محدود شده است. همچنین در برخی کشورها به ویژه در آسیا، اروپای شرقی و کشورهای مشترک‌المنافع[۲۰]، فعالیت‌های کشاورزی ثبت نشده و کوچک مقیاس جزء فعالیت‌های بخش غیررسمی محسوب می‌گردند درحالی که در سایر مناطق بخش کشاورزی از بخش غیررسمی حذف می‌شود.

در مطالعات برخی از کشورها که از برآوردهای مربوط به خانوار یا نیروی کار برای اندازه‌گیری اشتغال در بخش غیررسمی استفاده می‌کنند، معیار مربوط به ماهیت غیرحقوقی بنگاه‌ها در نظر گرفته نشده است. در بسیاری از مطالعات، معیار عدم ثبت را به تنهایی یا با ترکیب با سایر معیارها همچون اندازه کوچک و نوع محل کار به کار می‌برند.

برخی دیگر از اندازه کوچک به عنوان معیاری برای تعریف بخش غیررسمی ( یا به

تنهایی یا در ترکیب با معیارهایی همچون عدم ثبت بنگاه یا انواع مکانهای کاری) استفاده می‌کنند. برخی مطالعات معیار اندازه را برای تمام فعالیت‌های اقتصادی به کار می‌برند درحالی که در برخی دیگر این معیار تنها برای برخی از فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب بالا، برآوردها از بخش غیررسمی بیش از آن که برپایه‌ای قانونمند و با روشی قابل اعتماد شکل گرفته باشد، برمبنای روش‌ها موردی با مشخصات خاص[۲۱] انجام شده است. (ILO,۲۰۰۲)این مسئله درجای خود بر عدم قابلیت مقایسه بین‌المللی آمارها و برآوردها از بخش غیررسمی دلالت دارد.

به طور کلی تعریف بخش غیررسمی در هر کشور و حتی در هر منطقه نسبت به دیگر مناطق، بسته به چارچوب‌ها و محدودیت‌های نهادی و میزان توسعه‌یافتگی متفاوت است. بنابراین در مطالعات پیرامون بخش غیررسمی به ویژه در انتخاب معیار برای برآورد اندازه و ساختار این بخش، رویکردهای متنوع و متفاوتی وجود دارد(Lubell.H,۱۹۹۱). از آن جا که معمولاً تمرکز عمده مطالعات بخش غیررسمی بر کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیایی است، در این جا مهمترین مطالعات انجام شده به تفکیک این سه منطقه را به طور مختصر مرور مختصری می‌کنیم[۲۲].

**الف)** به طور کلی برآوردها نشان می‌دهد که در آفریقا فعالیت‌های غیررسمی، حدود ۸۰ درصد از اشتغال بخش غیرکشاورزی، بیش از ۶۰ درصد اشتغال شهری و بالغ بر ۹۰ درصد مشاغل جدید در آفریقا را به خود اختصاص داده است. در آفریقای صحرایی[۲۳] بخش غیررسمی بالغ بر ۷۵ درصد اشتغال بخش غیرکشاورزی را از آن خود نموده است. از کل فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش غیررسمی آفریقای صحرایی، زنان از سهمی معادل ۹۲ درصد برخوردارند. همچنین در بخش غیررسمی آفریقای صحرایی، ۹۵ درصد از زنان خود اشتغال و ۵ درصد مزد و حقوق‌بگیر می‌باشند.

- در آنگولا، نیجریه، جنوب آفریقا و اوگاندا، بیش از نیمی از کارگران بخش غیررسمی در تجارت‌های خرده‌فروشی فعال می‌باشند.
- در سال ۹۱-۱۹۹۰ ساختار بخش غیررسمی در تانزانیا مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که:

-۴۶ درصد فعالان بخش غیررسمی بدون تحصیلات یا فاقد مدرک پایان دوره ابتدائی

و تنها کمتر از ۴ درصد دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر بوده‌اند.

- به لحاظ ساختار سن، ۷۵ درصد شاغلین در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۹ سال قرار داشتند.

- ۷۴ درصد از کل شاغلین بخش غیررسمی به صورت خود اشتغال، ۱۴ درصد کارکن فامیلی بدون مزد و حقوق و ۱۲ درصد به صورت مزد و حقوق‌بگیر فعالیت می‌کردند.

- محل استقرار فعالیت بیش از یک سوم بنگاه‌های بخش غیررسمی در منازل شخصی، ۲۰ درصد بدون مکان ثابت، ۱۰ درصد بازار و ۱۰ درصد در فضای باز یا خیابان قرار داشته است.

ب) برآوردها نشان می‌دهد که به طور کلی در آمریکای لاتین اشتغال غیررسمی شهری به عنوان درصدی از اشتغال، از ۵۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۵۸ درصد در سال ۱۹۹۷ رشد یافته است. دلایل رشد نیروی کار غیررسمی در آمریکای لاتین، افزایش نیروی کار، رشد نرخ مشارکت به ویژه برای زنان، افزایش در مهاجرت شهری روستایی و کاهش اشتغال‌زایی در بخش رسمی ذکر شده است. مثلاً در مطالعه‌ای برای برزیل، به منظور تعریف و اندازه‌گیری بخش غیررسمی، بازار کار به دو بخش خود اشتغالان و اشتغال ثبت نشده تقسیم شده است. براین اساس شاغلینی که ارتباط شغلی‌شان در وزارت کار ثبت نشده است، غیررسمی محسوب شده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که افراد شاغل در بخش غیررسمی فاقد حمایت‌های اجتماعی می‌باشند و از اینرو از مشاغل ناپایدار برخوردارند.

براساس برآورد خانوار سال ۱۹۹۹ و مطابق تعریف فوق، بخش غیررسمی برزیل مورد برآورد قرار گرفت و مشخص شد:

- ۶۲درصد از ۶۴ میلیون فرد شاغل در بخش خصوصی برزیل، تحت حمایت تأمین اجتماعی نمی‌باشند.
- در بخش کشاورزی ۹۰ درصد و در بخش ساختمان ۶۶ درصد افراد تحت حمایت تأمین اجتماعی نمی‌باشند.
- نرخ مشارکت افراد در سنین ۱۰ تا ۱۴ سال در بازار کار برزیل کمتر از ۴ درصد می‌باشد. نرخ مشارکت زنان در بخش غیررسمی ۶۶ درصد و مردان ۵۹ درصد می‌باشد.

ج) همچنین برآوردها نشان می‌دهد که در آسیا کارگران غیررسمی، سهمی معادل ۴۵ تا ۸۵ درصد اشتغال غیرکشاورزی و ۴۰ تا ۶۰ درصد اشتغال شهری را به خود اختصاص داده‌اند. در شرق آسیا ـ به طور مثال ژاپن، کره، سنگاپور، هنگ کنگ و چین به دلیل اشتغال‌زایی و گسترش صنایع و کارخانجات، اشتغال غیررسمی کاهش یافته است.

● در تایلند بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۴ اقتصاد غیررسمی در اثر رونق اقتصادی از ۶۰ درصد به ۵۷ درصد کاهش یافت. اما پس از آن و از سال ۱۹۹۷ به بعد به علت رکود اقتصادی در این کشور مجدداً سهم اشتغال غیررسمی به ۶۰ درصد افزایش یافت.

ترکیب بنگاه‌های بخش غیررسمی در دوران رکود و رونق اقتصاد تغییر می‌یابد. در دوران رونق، بخش غیررسمی در قالب بنگاه‌های کوچک و در پاسخ به رشد تقاضا و گسترش بازارها، رشد می‌یابد، در حالی که در دوران رکود فعالیت‌های غیررسمی به قصد امرار معاش شکل می‌گیرد.

● در چین با اصلاحات اقتصادی انجام شده در دهه ۹۰ و تغییر ساختار بنگاه‌های دولتی، بخش غیررسمی در قالب بنگاه‌های کوچک مقیاس و کارگاه‌های خانوادگی تولیدکننده و ارائه دهنده خدمات ساده، شکل گرفت. براساس برخی تخمین‌ها در بخش غیررسمی چین بالغ بر ۷۰ میلیون نفر به کار اشتغال دارند.

● مطالعه اقتصاد غیررسمی در مغولستان مشخص نمود که:

- قدرت خرید اندک مشتریان، فقدان توانایی تجاری، عدم شفافیت قوانین و مقررات و فقدان سرمایه‌های مادی، عمده‌ترین مشکلات فعالان بخش غیررسمی این کشور می‌باشد.

- بیش از ۸۰ درصد فعالان غیررسمی به پس‌اندازهای خانوادگی، ۱۱ درصد به استقراض از سایرین و تعداد بسیار اندکی به اعتبارات بانکی جهت تأمین مالی فعالیت خود متکی بودند.

-تکیه بر مشاغل کاربر، درگیری در چندین فعالیت، فروش دامنه متنوعی از تولیدات و فراهم کردن مکانی بهتر جهت فروش و جلب مشتری از جمله استراتژی‌های بخش غیررسمی جهت مبارزه با ریسک و عدم اطمینان بوده است.

**اشتغال غیررسمی در ایران[۲۴]**

گرچه مطالعات در رابطه با بخش غیررسمی در ایران تقریباً از دهه ۶۰ آغاز شده است؛ اما این بخش عمدتاً از دهه ۷۰ به بعد و بیشتر در محافل دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت. پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر درباره بخش غیررسمی انجام گرفته است به‌اندازه‌ای بوده است که مجموعاً بتوانند تصویری کلی از وضعیت این بخش در اقتصاد امروز ایران بدهند. در این جا مهم‌ترین مطالعات مربوط به بخش غیررسمی در ایران را به طور خلاصه مرور

می‌کنیم. البته مطالعاتی که در زیر معرفی می‌شوند مستقیماً به بحث اشتغال غیررسمی نپرداخته‌اند.

با وجود این، همه مطالعات شناسایی شده مربوط به بخش غیررسمی در این جا معرفی می‌شوند تا در کنار هم بتوانند تصویر کلی از بسط‌های نظری و روش‌های آماری مربوط به‌اندازه‌گیری حجم و اشتغال بخش غیررسمی در ایران را به خواننده ارائه دهند. همچنین باید توجه داشت که مطالعات بسیار دیگری نیز به زبان فارسی و در مورد ایران وجود دارد که البته پیرامون سایر مفاهیم این حوزه (به‌ویژه اقتصاد سیاه و اقتصاد زیرزمینی) هستند، اما با توجه به تمرکز این مقاله بر بخش غیررسمی، آنها را معرفی نکرده‌ایم.

**۱- مطالعات دهه شصت**

در رابطه با مطالعات پیش از دهه ۷۰ می‌توان به مطالعه دانش (۱۳۶۳) و مطالعه هدایت و باقریان (۱۳۶۸) اشاره کرد. مطالعه دانش که با عنوان «علل گسترش مشاغل کاذب در شهرهای بزرگ» انجام گرفته است بر جداسازی مفهوم مشاغل کاذب از مشاغل غیررسمی متمرکز شده است. وی از فعالیت‌های غیررسمی غیرمولد به عنوان مشاغل کاذب یاد کرده است. دانش در مطالعه خود مقاومت ساختارهای سنتی تولیدی و انتشار محدود و ناقص روابط صنعتی را از جمله مهمترین دلایل ایجاد بخش غیررسمی می‌داند.

از دیدگاه دانش عمده‌ترین ویژگی‌های بخش غیررسمی کمبود منابع سرمایه‌ای، عدم رعایت قوانین استخدامی‌کشوری و کارگری، عدم ثبات شغلی و نداشتن جواز کسب و کار است. وی نتیجه می‌گیرد تحولات متعددی که از سال ۱۳۵۷ به بعد در بنیان‌های اقتصادی اجتماعی در ایران به‌وجود آمده است، بر اهمیت مشاغل غیررسمی بیش از پیش افزوده است و تا زمانی که گسترش مشاغل مولد و رسمی به صورت ساختاری از رشد محدودی برخوردار باشند، فعالیت‌های غیررسمی چه به شکل مولد و چه به شکل غیرمولد و کاذب آن، همچنان با قدرت هرچه تمام‌تر در صحنه اقتصادی جامعه باقی خواهند ماند.

مطالعه دیگری نیز در دهه ۶۰ توسط هدایت و باقریان (۱۳۶۸) درباره بخش غیررسمی ایران انجام شده است. در این پژوهش که با عنوان «بررسی بخش غیرمتشکل در ایران» انجام گرفته است برخی از فعالیت‌های بخش خدمات از جمله برخی فروشندگان عمده فروش و خرده فروش، دوره گردهای خیابانی، فال بینی و... به عنوان فعالیت‌های بخش

غیررسمی در نظر گرفته شده‌اند و برای آنها اصطلاح «بخش غیرمتشکل» به کار برده شده است. این مطالعه را می‌توان از جمله اولین پژوهش‌هایی دانست که در آن بخش غیررسمی در ایران مورد برآورد قرار گرفته است .

هدایت و باقریان با استفاده از آمارهای رسمی بانک مرکزی، حسابهای ملی ایران، آمار وزارت بازرگانی در مورد فعالیت‌های خرده فروشی، فعالیت‌های خدماتی (از قبیل آژانس‌ها آموزشگاه‌ها، خدمات خانگی و شخصی، آرایشگاه‌ها) و... اقدام به برآورد اشتغال و تولید این بخش نموده است. بر اساس نتایج این مطالعه سهم اشتغال شهری بخش غیررسمی در سال ۱۳۶۵، ۴۳ درصد اشتغال کشور و سهم تولید این بخش معادل ۳۱ تا ۴۱ درصد تولید کشور بوده است.

**۲- مطالعه صرامی (۱۳۷۲)**

نخستین مطالعه مربوط به بخش غیررسمی که پس از دهه شصت انجام شده است مطالعه صرامی (۱۳۷۲) است. صرامی در مطالعه‌ای که در مورد مشاغل بخش غیررسمی شهر اصفهان انجام داده و آن را در کتابی با عنوان «مشاغل غیررسمی؛ بیکاری، نه‌کاری، ناکاری»، منتشر کرده است، بخش غیررسمی را تحت عنوان عبارت «نه‌کاری و ناکاری» آورده است. او با کاربرد واژه « نه کاری» اشاره به مشاغلی دارد که مقبولیت نسبی داشته و اخلاقاً محکومیتی ندارند (مثل دستفروشی، واکسی و نظایر آن) و از واژه « ناکاری» مشاغلی را مد نظر دارد که مقبولیت اجتماعی نداشته و نوعی خطا به شمار می‌روند (مانند گدایی، قاچاق و...). به اعتقاد او این گونه مشاغل با تمام اشکالات و تأثیرات منفی که دارند، به دلیل مطابقت با وضعیت فقر و بیکاری همه‌گیر جوامع جهان سوم و به دلیل تسکین موقتی آلام و رفع بیکاری، باید با دقت، ملایمت و عدالت با آنها برخورد شود.

صرامی شهر اصفهان را مستعد گسترش بخش غیررسمی می‌داند و علت آن را نیز تعدد مراکز صنعتی بزرگ و کوچک و نیاز به سرویس‌دهی انبوه، تراکم انواع سطوح نیروی، گرایش بسیاری از شاغلین به شغل‌های دوم، سوم و مشاغل فصلی و نیمه وقت، وجود فرهنگ مصرف، رفاه‌طلبی و تنوع‌خواهی و وجود تقاضا و مشتری کافی برای انواع تولیدات و خدمات انواع مشاغل، و سرانجام عدم تناسب جمعیت رو به رشد روستایی با امکانات آب و زمین، بر می‌شمارد.

وی با توجه به مفاهیم مورد مورد نظرش از بخش غیررسمی و با استفاده از یک بررسی میدانی، «سبزه میدان اصفهان» را به عنوان مرکز عمده فعالیت‌های بخش غیررسمی در شهر اصفهان در نظر گرفته و بر مبنای تعاریف مورد نظر از نه کاری و ناکاری، مشاغل موجود در سبزه میدان را تقسیم‌بندی و ویژگی‌های آنها را (از نظر جنس، ملّیت، سن، میزان سواد، میزان درآمد و وضعیت مسکن) مشخص کرده است. او بر اساس یافته‌های پژوهشی خود نتیجه می‌گیرد که از کل مشاغل و فعالیت‌ها، سهم مشاغل ناکاری ۱۰ درصد و از کل مشاغل نه‌کاری سهم مشاغل خدماتی ۱۰ درصد، مشاغل تولیدی ۵ درصد و مشاغل مربوط به توزیع ۷۵ درصد می‌باشد.

**۳- مطالعه محمدبیگی (۱۳۷۶)**

دومین مطالعه بخش غیررسمی در دهه هفتاد شمسی مطالعه محمدبیگی (۱۳۷۶) که با عنوان «جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران» انجام شده است. محمدبیگی در این مطالعه، بخش غیررسمی را واحدهای کوچک تولید و توزیع کالاها و خدمات تعریف می‌کند که در مواجهه با محدودیت شدید سرمایه‌های فیزیکی و انسانی شکل گرفته‌اند. وی ریشه پیدایش این بخش را وجود دوگانگی در اقتصاد شهری کشورهای درحال توسعه می‌داند.

در واقع از دیدگاه او ـ بخش غیررسمی در جهان سوم حاصل واکنش فعالین اقتصادی به ناسازگاری راهبردهای توسعه اقتصادی با شرایط بومی به ویژه امکانات محیطی، فنی و اقتصادی کشورهای درحال توسعه است. اما به اعتقاد وی بخش غیررسمی دارای این مزیت است که قادر به ایجاد اشتغال و درآمد برای انبوه جمعیت فزاینده و عمدتاً فقیر جوامع درحال توسعه است و پیدایش و گسترش این بخش در چند دهه اخیر کم و بیش معاش بخش بزرگی از جمعیت مناطق شهری کشورهای درحال توسعه را تأمین کرده است.

در این تحقیق از جمله مهم‌ترین دلایل و عوامل مؤثر در رشد بخش غیررسمی در ایران رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، کاهش اندازه اشتغال در بخش کشاورزی، اتکا به درآمدهای نفتی و گسترش صنایع سرمایه‌بر ذکر شده است. محمدبیگی بیان می‌کند که روند گذشته در اقتصاد کشور، به ویژه از نظر تغییرات سهم عوامل کار و سرمایه در تولید محصولات صنعتی و کشاورزی و کاهش نسبی سهم اشتغال در بخش عمومی که یکی از هدف‌های برنامه تعدیل اقتصادی در ایران بوده است منجر به افزایش سهم بخش غیررسمی در کل اشتغال ایران

خواهد شد. همچنین وی معتقد است که بخش غیررسمی سهم نسبتاً چشمگیری در محصول ناخالص ملی ایران دارد، اما علی رغم این موضوع (افزایش سهم اشتغال و ارزش افزوده بخش غیررسمی) این بخش در بسیاری از زیربخش‌های اقتصادی کشور از منابع مالی گسترده دولت بی‌بهره است و یا سهم ناچیزی می‌برد. توصیه سیاستی محمدبیگی آن است که دولت باید از طریق سیاست‌های مالی یا بودجه‌ای به حمایت از این بخش اقدام کند.

**۴- مطالعه نایب (۱۳۷۸)**

مطالعه بعدی در دهه هفتاد ـ مطالعه نایب (۱۳۷۸) است. نایب پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری ایران» به مطالعه اشتغال در بخش غیررسمی شهری ایران اختصاص داده است[۲۵]. او جهت ارائه مفهوم مناسبی از بخش غیررسمی شهری ایران، در قدم اول مفاهیم موجود در ادبیات بخش غیررسمی را دسته‌بندی نموده است. در این رابطه در مطالعه وی شش دسته‌بندی از مفهوم بخش غیررسمی عنوان گردیده است:



الف) مفهوم بخش غیررسمی بر اساس نوع کسب درآمد: در این مفهوم افرادی که کسب درآمدشان از طریق مزد وحقوق (دستمزد و حقوق بخش عمومی‌دستمزد و حقوق بخش خصوصی پرداخت‌های انتقالی نظیر حقوق باز نشستگی و بیمه بیکاری) بوده جزء شاغلین رسمی و سایرین که کسب و کار شخصی دارند جزء بخش غیررسمی محسوب می‌گردند.

ب) مفهوم بخش غیررسمی بر اساس نوع ارتباط بنگاه با دولت: در این رویکرد بخش رسمی شامل مؤسسات دولتی و آن دسته از مؤسسات خصوصی هستند که به طور رسمی فعالیت نموده و تابع قوانین وضع شده می‌باشند. فعالیت‌ها و بنگاه‌هایی که فاقد این ارتباط می‌باشند در بخش غیررسمی قرار می‌گیرند.

پ) مفهوم بخش غیررسمی بر اساس اشتغال: بر پایه این مفهوم بخشی که شاغلین آن از انواع حمایت‌های شغلی برخوردار باشند در زمره بخش رسمی قرار می‌گیرند.

ت) مفهوم بخش غیررسمی بر حسب انگیزه فعالیت: در دیدگاه انگیزه ایجاد بنگاه در بخش غیررسمی ایجاد اشتغال می‌باشد در حالی که انگیزه فعالیت بنگاه‌ها در بخش رسمی حداکثرسازی سود است.

ث) مفهوم بخش غیررسمی بر اساس نوع ارتباط صاحبان کار و سرمایه: بر اساس این مفهوم بخش غیررسمی شامل بنگاه‌هایی است که نوع مالکیت آن شخصی و خانوادگی است و صاحب سرمایه به عنوان نیروی کار در بنگاه شاغل است و یا این که بنگاه در مالکیت خانوادگی نیروی کار قرار دارد.

ج) مفهوم بخش غیررسمی بر اساس دیدگاه مارکسیست‌ها: در این مفهوم بخش غیررسمی نتیجه فرصت‌طلبی‌ها و بهره‌کشی‌های بخش رسمی از نیروی کار است. در واقع از این دیدگاه بخش غیررسمی به عنوان لشگری از نیروی کار تلقی می‌گردد تا زمانی که بخش رسمی به نیروی کار بیشتری نیاز پیدا می‌کند، این نیاز با کمترین هزینه برآورده شود.

نایب در قدم بعدی تصویری از بازار کار ایران ارائه نموده است. او معتقد است که بازار کار ایران در در دهه اخیر از یک سو با مسائلی همچون رشد عمومی جمعیت و به تبع آن رشد جمعیت فعال، افزایش بیکاری و گسترش مهاجرت مواجه بوده است و از سوی دیگر ویژگی‌هایی همچون تمرکز نیروی کار در بخش خدمات و پائین بودن سرمایه بری هر شغل در این بخش، سهم بالای اشتغال دولتی، و نیز بالا بودن سهم کارکنان مستقل در میان شاغلین کشور، را دارا بوده است.



نایب با توجه به ادبیات بخش غیررسمی و با توجه به ویژگی‌های بر شمرده شده برای اقتصاد ایران، بخش غیررسمی را «مشاغل مزد و حقوق بگیری که مالیات پرداخت می‌کنند» در نظر گرفته است. نایب در قالب مفهوم مذکور اشتغال بخش غیررسمی شهری ایران را با استفاده از پرسشنامه بودجه خانوار برای سال‌های ۱۳۶۴، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ به لحاظ آماری مورد بررسی قرار داده است .نتایج بررسی وی در جدول‌های (۱)، (۲) و (۳) آمده است.

**جدول(۱): توزیع اشتغال در بازار کارایران به تفکیک رسمی و غیررسمی (مطالعه نایب)**

| بازار کار شهری | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۸ | ۱۳۷۲ | ۱۳۷۶ |
|---|---|---|---|---|
| سهم بخش رسمی (درصد) | ۳۴/۵ | ۳۸/۷ | ۳۸/۴ | ۳۶/۸ |
| سهم بخش غیررسمی (درصد) | ۶۵/۵ | ۶۱/۳ | ۶۱/۶ | ۶۳/۱ |
| جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

ماخذ: استخراج شده از مطالعه نایب (۱۳۷۸)

**جدول (۲): توزیع سهم اشتغال در بخش غیررسمی به تفکیک نوع شغل (مطالعه نایب)**

| بازار کار شهری | ۱۳۶۴ سهم (درصد) | ۱۳۶۸ سهم (درصد) | ۱۳۷۲ سهم (درصد) | ۱۳۷۶ سهم (درصد) |
|---|---|---|---|---|
| امور کشاورزی | ۱۰ | ۹ | ۷ | ۱۲ |
| امور دامپروری | ۸ | ۸ | ۵ | ۶ |
| فروشندگان | ۱۴ | ۱۵ | ۱۳ | ۱۵ |
| دوره‌گردها | ۳ | ۲ | ۲ | ۳ |
| رانندگان | ۸ | ۷ | ۸ | ۹ |
| کارگران ساده | ۱۱ | ۱۱ | ۷ | ۱۰ |
| سایر مشاغل مانند: کارگران ماهر و تعمیرکار | ۴۶ | ۴۸ | ۵۸ | ۴۵ |
| جمع | ۶۵/۵ | ۶۱/۳ | ۶۱/۶ | ۶۳/۱ |

ماخذ: استخراج شده از مطالعه نایب (۱۳۷۸)

**جدول (۳): توزیع اشتغال در بخش غیررسمی بر حسب وضعیت شغلی (مطالعه نایب)**

| اشتغال | ۱۳۷۲ سهم (درصد) | ۱۳۷۶ سهم (درصد) |
|---|---|---|
| کارفرما | ۶ | ۸ |
| کارکن مستقل | ۵۲ | ۴۵ |
| کارکن فامیلی | ۶ | ۹ |
| مزد و حقوق‌بگیر | ۳۶ | ۳۹ |
| جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

ماخذ: استخراج شده از مطالعه نایب (۱۳۷۸)

نایب بر اساس محاسبات و ارقام به دست آمده نتیجه می‌گیرد در دوره مورد بررسی سهم اشتغال بخش غیررسمی از بازار کار شهری بین ۶۰ تا ۶۵ درصد بوده که این سهم در سال‌های رونق کاهش یافته و در سال‌های رکود و جنگ در حال افزایش بوده است. مشاغل غیررسمی در بخش خدمات از سهم بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار بوده و فعالان این بخش بیشتر در قالب کارکن مستقل به فعالیت می‌پردازند. نکته دیگری که نایب به آن اشاره می‌کند ثبات نسبی ساختار درونی بازار کار غیررسمی شهری ایران در طی سال‌های تحت بررسی است که از نظر وی عدم تغییر در ساختار بخش می‌تواند ناشی از عدم توجه سیاست‌گذاران به این بخش در چاچوب سیاست‌های کلان باشد. نایب در پایان مطالعه خود با استفاده از داده‌های مقطعی استانهای کشور و با استفاده از یک مدل رگرسیونی ارتباط میان اشتغال رسمی و غیررسمی را مورد بررسی قرار داده است که نتایج تخمین بر مثبت بودن ارتباط

اشتغال بین دو بخش دلالت داشته است. ضرایب حاصل از تخمین مدل نشان داده است که در سال‌های رونق با افزایش اشتغال در بخش رسمی، اشتغال در بخش غیررسمی با سرعت کمتری افزایش یافته است و این نسبت در سال‌های رکود روند معکوسی داشته است.

**۵ - مطالعه باباحیدری (۱۳۸۰)**

باباحیدری(۱۳۸۰) نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود[۲۶] با عنوان «اندازه‌گیری و بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیر رسمی ایران» با رویکردی مبتنی بر اقتصاد نهادگرا به بررسی علل ایجاد و گسترش بخش غیر رسمی در ایران پرداخته است. او بر همین اساس الگویی برای اندازه‌گیری اشتغال بخش غیر رسمی ایران بر مبنای اصول نظری مدل شاخص‌های چندگانه علل چندگانه (MIMIC)[۲۷] طراحی نموده است. نتایج حاصل از تخمین این الگو برای سال‌های ۷۷-۱۳۵۰ نشان میدهد که سهم شاغلین بخش غیر رسمی از متوسط ۲۱ درصد در دوره (۵۸-۱۳۵۱) که عمدتاً دوره قبل از انقلاب را پوشش می‌دهد به متوسط ۲۹ درصد در دوران جنگ(۶۸-۱۳۵۹) افزایش یافته است.

برآوردهای او نشان می‌دهد که سهم مذکور در سال‌های بعد نیز همچنان به روند رو به رشد خود ادامه داده و در دوره (۷۷-۱۳۶۹)، یعنی دوران بازسازی و اجرای برنامه‌های توسعه پنج ساله، به متوسط ۳۷ درصد رسیده است. برآوردها همچنین نشان داده است که درصد بالایی از تغییرات سهم شاغلین بخش غیر رسمی متأثر از هزینه‌های مبادله، عدم یکپارچگی بازارهای مالی و ناکارآمدی بوروکراسی بوده است. این مسئله موید این نکته است که عوامل نهادی نقش بسزایی در ظهور و گسترش بخش غیررسمی در اقتصاد ایران دارند.

**۶- گزارش مرکز آمار (۱۳۸۰)**

باقری، عرب مازار، بانویی و ورمزیار (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران»، که به سفارش مرکز آمار انجام شده است، به ارائه شیوه مناسبی برای اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران پرداخته‌اند. در واقع هدف این تحقیق محاسبه این بخش نبوده است، بلکه هدف محققین دستیابی به تعریفی از بخش غیررسمی متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران، بررسی معایب و مزایای منابع آماری موجود در ایران جهت شناسایی بخش غیررسمی و ارائه پیشنهادهایی در تدوین پرسشنامه‌های موجود به

گونه‌ای که از اطلاعات آنها بتوان به نتایج تفصیلی تری از بخش غیررسمی دست یافت بوده است. این مطالعه ابتدا با مروری بر تعاریف موجود از بخش غیررسمی نتیجه می‌گیرد که به دلیل تفاوت‌های موجود در تعاریف این بخش در کشورهای مختلف، لازم است در تعریف بخش غیررسمی شرایط واقعی محیط خاص هر کشور لحاظ گردد. از این‌رو ابتدا بر مبنای ماهیت فعالیت‌ها با تمرکز بر سه شاخص سهم تولید از تولید ناخالص داخلی، سهم شاغلان در کل اشتغال و ظرفیت بالقوه غیررسمی بودن، به تبیین وضعیت عمومی فعالیت‌های اقتصادی ایران پرداخته شده است.

براین اساس مطرح شده است که ظرفیت بالقوه برای غیررسمی بودن در ایران(با توجه به گروه‌های عمده فعالیت) برای فعالیت‌های کشاورزی، شکار و جنگلداری، صنعت، حمل ونقل، انبارداری و ارتباطات، زیاد است. همچنین این ظرفیت برای فعالیت عمده فروشی خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگی، خدمات مستغلات کرایه و کسب و کار، خیلی زیاد و برای استخراج معدن، واسطه‌گری‌های مالی و آموزش، کم و در نهایت برای فعالیت تأمین برق، گاز و آب، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی، خیلی کم می‌باشد.



محققین سپس براساس این رتبه‌بندی و با استفاده از نتایج طرح‌های آمارگیری، وضعیت بنگاه‌های بخش صنعت، فعالیت‌های بازرگانی (عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگی) و فعالیت‌های خدماتی (کارگاه‌های خدمات کرایه و کسب و کار، اقامتگاه‌های عمومی، کارگاه‌های صرف غذا و نوشیدنی، قرض‌الحسنه‌ها کارگاه‌های بهداشتی، مددکاری اجتماعی، خدمات تفریحی، فرهنگی و آموزشی و کارگاه‌های خدمات مذهبی و سیاسی) را به لحاظ وضعیت حقوقی (فردی، غیررسمی، رسمی و تعاونی) و نوع کارکنان (بامزد و حقوق، بدون مزد و حقوق) مورد بررسی قرار داده‌اند.

تحقیق یاد شده سپس براساس نتایج به دست آمده از بررسی کارگاه‌های مذکور ضمن‌پذیرش تعریف کلی ارائه شده در قطعنامه پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان کار در ۱۹۹۳، تعریف عملیاتی مناسب مورد نظر خود برای بخش غیررسمی در ایران را پیشنهاد می‌نماید. از نظر این پژوهش، بخش غیررسمی عبارت است از «بنگاه‌های غیرشرکتی با کمتر از ۵ نفر کارکن در مناطق شهری که در غیراز بخش کشاورزی و خدمات فنی تخصصی مشغول فعالیت باشند».

این گزارش، در فصول بعدی خود ضمن معرفی روش‌های اندازه‌گیری بخش غیررسمی در دو دسته بندی کلی مستقیم و غیر مستقیم (که روش اخیر شامل به‌کارگیری اطلاعات حاصل از انواع روش‌های آمارگیری از جمله آمارگیری خانوار، آمارگیری کارگاهی، آمارگیری تلفیقی خانوار و بنگاه می‌باشد) معایب و محاسن روش‌های یاد شده را مورد بررسی قرار داده است.

این گزارش در نهایت پس از بررسی منابع اطلاعاتی ایران و نقاط قوت و ضعف آنها در ارائه اطلاعات موردنیاز، نتیجه گرفته است که در وضعیت فعلی، هیچ یک از منابع آماری رسمی موجود در ایران، به تنهایی قادر به فراهم‌سازی اطلاعات لازم و کافی برای ارائه برآوردی نسبتاً دقیق از حجم یا اشتغال بخش غیررسمی نمی‌باشند. البته گوشزد می‌کند که در شرایط فعلی مناسب‌ترین طرح آمارگیری در ایران طرح «اشتغال - بیکاری خانوار» می‌باشد که از سال ۱۳۷۲ هر ساله اجرا می‌شود. همچنین در این تحقیق پیشنهادهایی مشخص در مورد راهبرد مناسب برای مرکز آمار ایران در زمینه‌اندازه‌گیری بخش غیررسمی، به قرار زیر ارائه گردیده است:

- اعمال تغییرات لازم در طرح‌های موجود آمارگیری به منظور دستیابی به اطلاعات اولیه ضروری از عملکرد بخش غیررسمی ایران در کوتاه‌مدت.

-حمایت از پژوهش‌های مربوط به‌اندازه‌گیری غیرمستقیم فعالیت‌های بخش غیررسمی در ایران، به منظور دسترسی به اطلاعات اولیه لازم و اعمال کنترل متقابل یافته‌های پژوهش‌های کنونی، در کوتاه‌مدت.

-اجرای طرح مستقل آمارگیری فعالیت‌های بخش غیررسمی در میان‌مدت.

**۷- مطالعه شکیبایی (۱۳۸۰)**

شکیبایی (۱۳۸۰) در رساله دکتری خود با عنوان «برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و تحلیل علل پیدایش آن (رویکرد منطق فازی)» به بررسی بخش غیررسمی پرداخته است. وی بخش غیررسمی را مجموعه فعالیت‌هایی تعریف می‌کند که در کشورهای درحال توسعه و در خارج از بخش مدرن و به منظور کسب معاش، به صورت خوداشتغالی و با سازماندهی و فناوری سطح پایین شکل‌می‌گیرد. در این مطالعه بر مبنای منطق فازی، دو گزاره به شرح زیر انتخاب شده‌اند:

-اگر نرخ بیکاری در بخش رسمی کاهش یابد، اشتغال در بخش غیررسمی افزایش می‌یابد.
- اگر تعداد کارکنان مستقل افزایش یابد، اشتغال در بخش غیررسمی افزایش می‌یابد.

این بررسی دوره زمانی ۷۷-۱۳۶۷ را در بر می‌گیرد. در این مطالعه برای ترازکردن شاخص به دست‌آمده، از نتایج تحقیق نایب برای سال ۷۷ استفاده شده است. بر مبنای این مطالعه، اشتغال در بخش غیررسمی در دوره مورد نظر روند نوسانی و نزولی را طی کرده است. اندازه بخش غیررسمی در سال ۱۳۶۷ در حدود ۲۰ درصد و در سال ۱۳۷۷ در حدود ۱۰ درصد به دست آمده است.

**۸- مطالعه رنانی (۱۳۸۰)**

رنانی (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص» به برآورد سهم شاغلین این بخش پرداخته است. در این تحقیق، نوع ارتباط بنگاه با دولت، برخورداری از حمایت‌های شغلی، وضعیت شغلی کارکنان نوع گروه شغلی، نوع گروه فعالیت شاغلین و اندازه بنگاه به عنوان معیارهای تفکیک کننده بخش غیررسمی از بازار کار شهری برشمرده شده و برآورد سهم شاغلین بخش غیررسمی نیز بر همین اساس محاسبه شده است.



محقق جهت برآورد سهم اشتغال از طریق معیار اول، ضمن بیان طرق مختلف ارتباط دولت با بنگاه‌های اقتصادی از طریق دریافت مالیات، ارائه تأمین اجتماعی و پرداخت تسهیلات، دریافت مالیات را جهت عملیاتی نمودن این معیار انتخاب و از نمونه‌گیری درآمد-هزینه خانوار در سال ۱۳۷۵ به عنوان منبع آماری جهت دستیابی به سهم اشتغال بخش غیررسمی استفاده کرده است.

جهت عملیاتی نمودن معیار دوم، برخورداری از بیمهٔ درمانی به عنوان شاخصی از حمایت شغلی درنظرگرفته شده است و برای دستیابی به آمار و اطلاعات مرتبط با این انتخاب، نمونه‌گیری خصوصیات اقتصادی- اجتماعی خانوارها به کار گرفته شده است. وضعیت شغلی کارکنان که بر اساس آن، شاغلین به کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق‌بگیران و کارکنان فامیلی تقسیم می‌شوند از جمله معیار دیگری است که در این تحقیق مطرح شده است.

براین اساس، کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی (و اظهار نشده‌ها) به عنوان فعالان در بخش غیررسمی مدنظر قرار گرفته‌اند. برای برآورد سهم اشتغال بخش غیررسمی، بر اساس

این معیار، از سرشماری جمعیت سال ۱۳۷۵ استفاده شده است. همچنین تفکیک شاغلین براساس نوع فعالیت و نوع شغل نیز جهت برآورد سهم اشتغال بخش غیررسمی مدنظر قرار گرفته است.

براین اساس، افرادی که در گروه فعالیت‌های کشاورزی، شکار و جنگلداری، ماهیگیری ساختمان، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حمل و نقل، انبارداری، واسطه‌گری‌های مالی (به جز بیمه و صندوق بازنشستگی)، مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار و خانوارهای معمولی دارای مستخدم، مشغول فعالیت می‌باشند و همچنین افرادی که در گروه‌های شغلی کارگران ساده، کارکنان ماهر کشاورزی، فلزکاران، ابزارسازان، قالی‌بافان، کارکنان سایر صنایع و فروشندگان قرار گرفته‌اند، به عنوان فعالان بخش غیررسمی معرفی شده‌اند.

برای برآورد سهم اشتغال بخش غیررسمی بر اساس این معیار، نیز از سرشماری جمعیت سال ۱۳۷۵ استفاده شده است.همچنین در پژوهش یاد شده، اندازه بنگاه به عنوان آخرین معیار شناسایی بنگاه‌های غیررسمی، مورد توجه قرار گرفته است. برای برآورد سهم اشتغال غیررسمی در ایران بر اساس این معیار، از نتایج سرشماری کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۷۵ استفاده شده است. برای این منظور از برآورد سهم کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن استفاده شده است.



خلاصه نتایج این مطالعه در مورد برآورد اشتغال بخش غیررسمی در ایران، به تفکیک معیارهای مورد استفاده، در جدول (۴) آمده است. همان گونه که در جدول دیده می‌شود دامنه برآوردهای سهم اشتغال در بخش غیررسمی با معیارهای مختلف بین ۳۳/۵ تا ۵۲/۵ درصد است که با مجموعه مطالعات دیگر در این زمینه همخوانی دارد.

**جدول ( ۴ ): سهم اشتغال در بخش غیررسمی شهری بر اساس معیارهای مختلف مطالعه رنانی (۱۳۸۰)**

(درصد)

| معیار تشخیص | سهم اشتغال بخش غیررسمی شهری | معیار تشخیص | سهم اشتغال بخش غیررسمی شهری |
|---|---|---|---|
| عدم پرداخت مالیات | ۵۲/۵ | گروه فعالیت | ۴۹/۴ |
| عدم پوشش بیمه درمانی | ۴۲/۵ | گروه شغلی | ۴۷ |
| وضعیت شغلی (کارکنان مستقل، کارکنان فامیلی، اظهارنشده‌ها) | ۳۳/۵ | مقیاس بنگاه (کارگاه‌های کمتر از ده‌نفر کارکن) | ۴۸ |

مأخذ: رنانی (۱۳۸۰)

رنانی پس از این مرحله با مروری بر ساختار و وضعیت اشتغال و بیکاری جمعیت ترکیب و عرضه شاغلان دارای تحصیلات عالی در سال‌های پیشین، با توجه به معیارهای ذکر شده برای برآورد بخش غیررسمی، وضعیت اشتغال دانش آموختگان را در بخش غیررسمی بررسی کرده است. نتایج حاصل در جدول (۵) نشان داده شده است.

**جدول ( ۵ ): سهم دانش آموختگان عالی در کل شاغلین بخش غیررسمی شهری بر اساس مطالعه رنانی (۱۳۸۱)**

| معیار تشخیص | سهم (درصد) |
|---|---|
| مقیاس بنگاه (کارگاه‌های کمتر از ده نفر کارکن) | ۲ |
| وضعیت شغلی (کارکنان مستقل، کارکنان فامیلی، اظهارنشده‌ها) | ۳/۱ |
| عدم پرداخت مالیات | ۳/۰۸ |
| عدم پوشش بیمه درمان | ۵ |

مأخذ: رنانی (۱۳۸۰)



برآوردها نشان می‌دهد که سهم دانش آموختگان عالی در کل شاغلین بخش غیررسمی با معیارهای مختلف برآورد، بین ۲ تا ۵ درصد قرار دارد. رنانی همچنین نشان داده است که از کل دانش آموختگان عالی شاغل در بخش غیررسمی، ۲۳ درصد کارفرما، ۴۷ درصد کارکن مستقل و ۳۰ درصد مزدوحقوق بگیر خصوصی بوده‌اند.

**۹ - مطالعه رنانی و همکاران (۱۳۸۲)** [۲۸]

رنانی و همکاران (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی ساختار اشتغال در بخش غیررسمی استان اصفهان» بخش غیررسمی را بنگاه‌هایی انگاشته‌اند که دارای سه ویژگی زیر می‌باشد:

- زیر سطح مشخصی از اشتغال فعالیت کنند.
- خارج از چارچوب قوانین ملی (اعم از قوانین مربوط به ثبت بنگاه، مالیات، قانون کار قوانین بهداشت، استانداردها و...) عمل نمایند.

- از درجه سرمایه‌بری اندک و کاربری بالایی برخوردار باشند.

-دراین پژوهش برای برآورد اشتغال بخش غیررسمی استان اصفهان از ویژگی‌های بر شمرده شده توسط سازمان بین‌المللی کار برای بنگاه‌های بخش غیررسمی استفاده شده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

-بنگاه دارای آزادی کامل ورود به و خروج از بازار باشد.

- اتکای اصلی بنگاه به منابع مالی داخل بنگاه باشد.

- مالکیت بنگاه خانوادگی باشد.

-حجم عملیات و فعالیت‌های بنگاه کوچک باشد.

- روش‌های تولید و تکنولوژی مورد استفاده بنگاه کاربر باشد.

- مهارت‌ها و سرمایه انسانی مورد استفاده بنگاه از خارج از سیستم آموزش رسمی کسب شود.

- فعالیت بنگاه در بازارهای کاملاً رقابتی و فاقد کنترل انجام پذیرد.

بر اساس مجموعه ویژگی‌های فوق نتیجه گرفته شده است که هرچه بنگاه یا فعالیتی تعداد بیشتری از ویژگی‌های بالا را دارا باشد «قابلیت شناسایی» آن کاهش می‌یابد و بنابراین «قابلیت گریز» آن از سیاست‌های رسمی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب شغل مذکور با احتمال بیشتری در بخش غیر رسمی قرار می‌گیرد.

براین اساس و با توجه به تعریف فوق، ماهیت هر یک از مشاغل، فعالیت‌ها و وضعیت‌های شغلی (ذکر شده در گروه‌های عمده شغلی[۲۹]، گروه‌های عمده فعالیت[۳۰] و انواع وضعیت‌های شغلی) به لحاظ قابلیت شناسایی و قابلیت گریز، بررسی، و سپس با توجه به این که ویژگی‌های «زن بودن»، «دارای تحصیلات اندک بودن» و «روستا نشینی» سه عامل و ویژگی غالب در فعالان بخش غیررسمی است، ماهیت نهایی هر شغل، به لحاظ رسمی بودن، غیررسمی بودن و مبهم بودن (یعنی نامشخص بودن ماهیت شغل) تعیین شده است. سرانجام نیز با اعمال ضریبی، میزان رسمی بودن هر یک از شغل‌ها مشخص شده و سهم اشتغال بخش غیررسمی برای استان اصفهان به دست آمده است. برای این منظور نیز از اطلاعات پایه تولید شده درآمارگیری سالیانه «هزینه‌درآمد خانوار» برای سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۸ استفاده شده است.

نتایج حاصل در این تحقیق نشان داده است که: از کل شاغلین استان اصفهان بیش از

یک سوم در بخش غیررسمی و دو سوم در بخش رسمی مشغول فعالیت می‌باشند. زنان نسبت به مردان، روستاییان نسبت به شهری‌ها، شاغلین دیپلم و پایین‌تر نسبت به دارندگان مدارک بالاتر از دیپلم، بیشتر مستعد فعالیت در بخش غیررسمی هستند. بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی استان و بخش خدمات کمتر از سایرین زمینه‌ساز گسترش و رشد بخش غیررسمی بوده‌اند. در دوره ۱۳۸۱-۱۳۷۸ به طور متوسط ۳۶ درصد از شاغلین استان در بخش غیررسمی فعالیت داشته‌اند. اما در کل دوره سهم اشتغال بخش غیررسمی استان اصفهان صعودی و نسبتا آرام بوده است.

**۱۰ - مطالعه رنانی و همکاران (۱۳۸۴)[۳۱]**

در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی بخش غیررسمی قابل ارتقاء در ایران»، رنانی و همکاران(۱۳۸۴)، سهم اشتغال در بخش غیررسمی کل کشور و ساختار آن برای سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ را مورد برآورد و بررسی قرار داده‌اند. محققین این پژوهش، هم در بخش نظری به گونه‌ای متفاوت از مطالعات پیشین به معرفی بخش غیررسمی پرداخته‌اند و هم در بخش تجربی روش کاملاً تازه‌ای را برای محاسبه اشتغال در بخش غیررسمی به کار گرفته‌اند. در این پژوهش ادبیات بخش غیررسمی بر اساس میزان توسعه‌یافتگی کشورها مورد بررسی قرار گرفته است.

در پژوهش مذکور آمده است که در کشورهای درحال توسعه، مفهوم بخش غیررسمی جزء ناشناخته‌ترین مفاهیم در عرصه اقتصاد است. از این رو هر محقق و پژوهنده بر پایه چارچوب فکری خود به تعریفی از بخش غیررسمی دست یافته است. به گونه‌ای که تا قبل از پایان دهه ۸۰ میلادی وجه غالب تفکر محققان در عرصه پژوهش‌های مرتبط با بخش غیررسمی بر مبنای وجوه تمایز دو بخش بوده است.

در این رابطه به تعریف کیت هارت[۳۲] از بخش غیررسمی اشاره شده است. کیت هارت برمبنای فرصت‌های کسب درآمد به توصیف فعالیت‌های بخش غیررسمی و رسمی غنا پرداخته است. از دید وی مشاغل با ویژگی مزد و حقوق بگیری (مانند افراد مزد و حقوق بگیر بخش دولتی یا بخش خصوصی و افراد دارای درآمد از حقوق بازنشستگی) به بخش رسمی و مشاغل خود اشتغالی (مانند کفاشی، خیاطی، جادوگری، رباخواری واختلاس و ...) به بخش غیررسمی متعلق هستند (Hart,۱۹۷۳).

درواقع از دیدگاه کیت هارت عامل متمایز فعالیت‌های بخش غیررسمی از بخش‌رسمی اقتصاد نحوه کسب درآمد است. همچنین اظهار شده است که بعد از دهه ۸۰ میلادی با ظهور دکترین نئولیبرال‌ها باب تازه‌ای در ارتباط با مطالعات بخش غیررسمی گشوده شد. دسوتو[۳۳] (یکی از پیشتازان مکتب نئولیبرال) نقش مداخله زیاده ازحد دولت و بوروکراسی دولت را در خلق بخش غیررسمی مؤثر می‌داند (Bernabe, ۲۰۰۲).

از دیدگاه دسوتو، چارچوب‌های محدود کننده و نامناسب اجرائی، مراحل پیچیده اداری برای ثبت یک بنگاه، قوانین کار و قوانین مالیاتی نامناسب باعث می‌گردند که بخشی از بنگاه‌های فعال در اقتصاد از عهده هزینه‌های ناشی از انجام چنین قوانینی برنیایند و با نیت فروکاستن از هزینه‌ها، بخش غیررسمی را به عنوان عرصه فعالیت برگزینند. براین اساس بخش غیررسمی مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی است که به قوانین وضع شده توسط دولت تمکین نمی‌نمایند (Deseto,۱۹۸۹).

در ادامه این مطالعه، مطرح شده است که سازمان بین‌المللی کار با ارائه تعریفی از بخش غیررسمی که بیشتر بر ماهیت فعالیت‌های این بخش متمرکز بود، به لغزش‌ها و تشتت‌های تعاریف پیشین پایان بخشید. گزارش نتیجه می‌گیرد که واژه بخش غیررسمی در کشورهای درحال توسعه برای توصیف فعالیت‌هایی با خصوصیات بخش خانواری به کار می‌رود که هدف اولیه آنها ایجاد اشتغال و درآمد است، روابط کار برمبنای روابط خویشاوندی و شخصی می‌باشد، مخارج تولید از مخارج خانوار قابل تفکیک نیست، منابع مالی بنگاه محدود است و دارایی‌ها به واحدهای تولیدی (شخصیت حقوقی بنگاه) تعلق ندارد. درحالی که در کشورهای صنعتی شده واژه بخش غیررسمی برای توصیف فعالیت‌ها و درآمدهایی که تعمداً از مقامات دولتی پنهان نگاه داشته می‌شوند، به کار می‌رود.

همچنین در کشورهای توسعه یافته برخلاف کشورهای در حال توسعه برسر آن که چه فعالیت‌هایی را غیررسمی برشمرند توافق وجود دارد. اما در مورد این که این بخش را چه بنامند اتفاق نظر وجود ندارد (یعنی همزمان در پژوهش‌های مختلف مفهوم ارائه شده با واژه‌هایی چون اقتصاد سیاه، پنهان، نامنظم و ... معرفی می‌شود). همچنین در کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق، بخش غیررسمی معادل «اقتصاد نوع دوم» در نظر گرفته می‌شد و به فعالیت‌های خصوصی و غیرقانونی که با ایدئولوژی غالب در تضاد بودند اطلاق می‌گردید.

در این مطالعه، رنانی و همکاران پس از ارائه تعریف بخش غیررسمی، با انتخاب شاخص‌هایی برای شناسایی بخش غیررسمی که دقیقاً منطبق با تعاریف و مفاهیم سازمان بین‌المللی کار در پانزدهمین کنفرانس ILO (۱۹۹۳) است روشی کاملاً نو و ابداعی را برای برآورد بخش غیررسمی به کار بسته‌اند.

در روش یاد شده از سه‌ویژگی مهم شغلی افراد یعنی نوع شغل، نوع فعالیت و وضعیت شغلی استفاده شده و با توجه به این سه ویژگی، ماتریسی سه بعدی با عنوان ماتریس «شغل فعالیت» (باابعاد ۴×۳۶۲×۳۶۸) تشکیل داده شده است. سپس طی یک فرایند محاسباتی گسترده، ماهیت آرایه‌های این ماتریس (از منظر رسمی بودن، غیررسمی بودن و مبهم بودن وضعیت شاغلین مربوط به هر آرایه) مشخص شده است.

محاسبات و برآوردهای اصلی تحقیق در مورد اشتغال در بخش غیررسمی ایران بر پایه داده‌های خام (رکوردهای) مربوط به مشاغل و فعالیت‌ها، مستخرج از آمارگیری‌های «ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار» انجام شده است. برای تولید این اطلاعات پایه حدود ۱۳۳/۰۰۰ ترکیب مختلف مشاغل و فعالیت‌ها در وضعیت‌های شغلی کارفرمایی کارکنان مستقل و افراد حقوق‌بگیر تحلیل وضعیت شده است. چکیده نتایج این تحقیق در جدول (۶) نشان داده شده است.



**جدول (۶): توزیع سهم شاغلین کشور با ویژگی‌های مختلف، بین بخش رسمی و غیررسمی**

(درصد)

| | ۱۳۷۶ | | ۱۳۷۸ | | ۱۳۸۰ | | ۱۳۸۲ | | جمع سهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | رسمی | غیررسمی | رسمی | غیررسمی | رسمی | غیررسمی | رسمی | غیررسمی | |
| کل شاغلین | ۷۱ | ۲۹ | ۶۹ | ۳۱ | ۶۹ | ۳۱ | ۷۲ | ۲۸ | ۱۰۰ |
| شاغلین مرد | ۷۴ | ۲۶ | ۷۳ | ۲۷ | ۷۳ | ۲۷ | ۷۵ | ۲۵ | ۱۰۰ |
| شاغلین زن | ۵۲ | ۴۸ | ۴۷ | ۵۳ | ۴۷ | ۵۳ | ۵۲ | ۴۸ | ۱۰۰ |
| شاغلین شهری | ۸۶ | ۱۴ | ۸۶ | ۱۴ | ۸۶ | ۱۴ | ۸۷ | ۱۳ | ۱۰۰ |
| شاغلین روستایی | ۵۱ | ۴۹ | ۵۱ | ۴۹ | ۴۹ | ۵۱ | ۵۵ | ۴۵ | ۱۰۰ |
| دیپلم و بالای دیپلم | ۹۴ | ۶ | ۹۳ | ۷ | ۹۲ | ۸ | ۹۴ | ۶ | ۱۰۰ |
| پایین‌تر از دیپلم | ۶۴ | ۳۶ | ۶۲ | ۳۸ | ۶۲ | ۳۸ | ۶۵ | ۳۵ | ۱۰۰ |
| کشاورزی | ۲۹ | ۷۱ | ۲۶ | ۷۴ | ۲۶ | ۷۴ | ۲۸ | ۷۲ | ۱۰۰ |
| صنعت | ۷۵ | ۲۵ | ۷۴ | ۲۶ | ۷۶ | ۲۴ | ۸۰ | ۲۰ | ۱۰۰ |
| ساختمان | ۸۴ | ۱۶ | ۸۲ | ۱۸ | ۸۲ | ۱۸ | ۸۴ | ۱۶ | ۱۰۰ |
| خدمات | ۹۳ | ۷ | ۹۳ | ۷ | ۹۲ | ۸ | ۹۴ | ۶ | ۱۰۰ |

مأخذ: استخراج و جمع‌بندی شده از جداول مختلف در مطالعه رنانی و همکاران (۱۳۸۴)

با توجه به نتایج برآوردها، محققین نتیجه گرفته‌اند که در کلیه سال‌های مورد مطالعه سهم زنان در اشتغال بخش غیررسمی بیشتر از این سهم دراشتغال بخش رسمی کشور می‌باشد. به طور کلی از منظر محل سکونت شاغلین ساختار اصلی بخش رسمی را شهری‌ها و ساختار اصلی بخش غیررسمی را روستاییان تشکیل می‌دهند. سطح سرمایه انسانی در بخش غیررسمی بسیار پایین‌تر از بخش رسمی کشور است. بخش صنعت پس از بخش کشاورزی بیشترین سهم را در جذب شاغلین غیررسمی داشته است. برآوردهای انجام شده نشان داده است که سهم اشتغال بخش غیر رسمی حداقل ۲۸ درصد در سال ۱۳۸۲ و حداکثر ۳۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۷ بوده است.

**۱۱ - مطالعه رنانی و رضوانی (۱۳۸۵)**

مطالعه رنانی و رضوانی (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم» نخستین مطالعه میدانی در باره «اشتغال غیررسمی» در ایران تلقی می‌شود. در واقع این مطالعه نسبت به سایر مطالعات سه ویژگی متمایز دارد.

نخست آن که برآورد اشتغال غیررسمی به روش مستقیم انجام می‌گیرد، یعنی اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه میدانی (پرسش نامه) و با تمرکز بر ویژگی‌ها و شاخص‌های غیررسمی بودن جمع آوری می‌شود.

دوم این که نخستین مطالعه‌ای است (در ایران) که «اشتغال غیررسمی» (نه اشتغال در بخش غیررسمی) را برآورد می‌کند[۳۴].

سوم این که این مطالعه دارای دو بخش است و اشتغال غیررسمی و اشتغال در بخش غیررسمی را همزمان به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی برای شهر قم برآورد می‌کند.

بدین ترتیب امکان کنترل متقابل برآوردها به وجود می‌آید و نتایج قابل اعتمادتری فراهم می‌آید. در این مطالعه برای اجرای روش میدانی، از پرسش نامه استاندارد بین‌المللی (پیشنهاد شده از طرف سازمان بین‌المللی کار) که با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی قم اصلاح شده، استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه مستقیم با شاغلین به دست آمده و جمع آوری نمونه‌های پیمایش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سیستماتیک در کل شهر قم انجام شده است. در مطالعه مذکور مفهوم «بخش غیررسمی» از «اشتغال غیررسمی» متمایز در نظر گرفته شده است.

در تعریف اشتغال غیررسمی علاوه بر در نظر گرفتن نوع بنگاهی که افراد در آن فعالیت دارند، رسمی یا غیررسمی بودن اشتغال بر پایه شغل نیز به آن اضافه گردیده است. معیار این مطالعه برای اشتغال غیررسمی، «خارج از چارچوب بودن نظارت‌ها برای بنگاه و شغل» بوده است. چرا که هر کدام می‌تواند باعث عدم حمایت شغلی و اجتماعی برای افراد شاغل گردد. در واقع مطالعه مذکور معیارهای زیر را برای شناسایی فعالان این بخش در نظر گرفته است:

- تعداد شاغلین بنگاه (واحد تولیدی) کمتر از مقدار معینی (۵-۱۰ نفر) باشد.
- بنگاه ثبت نشده باشد (البته کارکنان مزد و حقوق بگیر شاغل در بنگاه‌های بخش غیررسمی که از حمایت‌های شغلی برخوردار هستند، دارای اشتغال رسمی محسوب می‌شوند).
- عدم پوشش بعضی مشاغل توسط قوانین کار و یا این قوانین قابل اجرا نباشند.

سپس با توجه به فروض فوق سهم و ساختار شاغلین یا اشتغال غیررسمی شهری در استان قم مورد برآورد قرار گرفته است. عمده‌ترین نتایج مطالعه مذکور در جدول (۷) نشان داده شده است.

بر اساس برآوردهای به دست آمده، رنانی و رضوانی نتیجه می‌گیرند که تقریباً نیمی از شاغلین پیمایش دارای اشتغال غیررسمی و بقیه از اشتغال رسمی برخوردارند. زنان در مقایسه با مردان، افراد زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال در مقایسه با شاغلین ۶۵-۱۵ ساله و شاغلینی که سرپرست خانوار نیستند در مقایسه با افراد سرپرست خانوار، افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل، افراد با تحصیلات زیر دیپلم درمقایسه با شاغلین با مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر، با شدت بیشتری جذب اشتغال غیررسمی شده‌اند.

مشخصه‌های سرپرست خانوار و تأهل در مقایسه با سایر ویژگی‌ها (جنسیت، تحصیلات سن) برای سوق دادن افراد به فعالیت‌های رسمی (عدم ورود به مشاغل غیررسمی) مؤثرتر می‌باشد. وجه غالب ساختار مشاغل غیررسمی را بخش خدمات تشکیل می‌دهد (۵۶ درصد). شاغلین بخش ساختمان و صنعت تقریباً با نسبت مساوی در مشاغل رسمی و غیررسمی فعالیت دارند. بیشترین حمایت‌های شغلی مربوط به وضعیت‌های شغلی کارفرمایان و مزد و حقوق بگیران بخش عمومی و کمترین حمایت‌های شغلی به ترتیب مربوط به کارکنان فامیلی مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و کارکنان مستقل می‌باشد.

باید توجه داشت که برآوردهای جدول (۷) که از مطالعه میدانی به دست آمده است

**جدول (۷): سهم و توزیع اشتغال غیررسمی شهری استان قم بر اساس مطالعه میدانی**

(درصد)

| ویژگی‌های شاغلین | | توزیع کل شاغلین در میان ویژگی‌های مختلف | توزیع کل شاغلین رسمی در میان ویژگی‌های مختلف | توزیع کل شاغلین غیررسمی در میان ویژگی‌های مختلف | سهم شاغلین رسمی | سهم شاغلین غیررسمی | مجموع سهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| شاغلین مرد | | ۸۶ | ۸۷ | ۸۶ | ۴۹ | ۵۱ | ۱۰۰ |
| شاغلین زن | | ۱۴ | ۱۳ | ۱۴ | ۴۶ | ۵۴ | ۱۰۰ |
| شاغلین با مدرک دیپلم و بالاتر | | ۲۸ | ۵۷ | ۱۶ | ۷۰ | ۳۰ | ۱۰۰ |
| شاغلین با مدرک پایین‌تر از دیپلم | | ۷۲ | ۴۳ | ۸۴ | ۳۹ | ۶۱ | ۱۰۰ |
| شاغلین متاهل | | ۷۴ | ۷۸ | ۷۰ | ۵۱ | ۴۹ | ۱۰۰ |
| شاغلین مجرد | | ۲۶ | ۲۲ | ۳۰ | ۴۱ | ۵۹ | ۱۰۰ |
| زیر ۱۵ سال | | ۸ | ۷ | ۸ | ۴۵ | ۵۵ | ۱۰۰ |
| بین ۶۵-۱۵ سال | | ۸۷ | ۸۹ | ۸۶ | ۴۹ | ۵۱ | ۱۰۰ |
| بالای ۶۵ سال | | ۵ | ۴ | ۶ | ۴۰ | ۶۰ | ۱۰۰ |
| کارفرما | | ۶ | ۱۱ | ۲ | ۸۴ | ۱۶ | ۱۰۰ |
| کارکن مستقل | | ۳۳ | ۳۰ | ۳۶ | ۴۴ | ۵۶ | ۱۰۰ |
| کارکن فامیلی | | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |
| مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی | | ۴۰ | ۲۵ | ۵۳ | ۳۰ | ۷۰ | ۱۰۰ |
| مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی | | ۲۰ | ۳۲ | ۸ | ۷۸ | ۲۲ | ۱۰۰ |
| مزد و حقوق‌بگیر بخش تعاونی | | - | - | - | ۱۰۰ | - | ۱۰۰ |
| خدمات | | ۵۳ | ۵۰ | ۵۶ | ۴۵ | ۵۵ | ۱۰۰ |
| صنعت | | ۲۹ | ۳۱ | ۲۹ | ۵۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| کشاورزی | | ۲ | ۳ | ۱ | ۷۲ | ۲۸. | ۱۰۰ |
| ساختمان | | ۱۶ | ۱۷ | ۱۴ | ۵۲ | ۴۸ | ۱۰۰ |
| سرپرست خانوار | بلی | ۶۵ | ۷۱ | ۵۹ | ۵۳ | ۴۷ | ۱۰۰ |
| | خیر | ۳۵ | ۲۹ | ۴۱ | ۳۹ | ۶۱ | ۱۰۰ |
| کل شاغلین | | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۴۸ | ۵۲ | ۱۰۰ |

مأخذ: استخراج و جمع‌بندی شده از جداول مختلف در مطالعه رنانی و رضوانی (۱۳۸۵)

مربوط به شاغلین غیررسمی شهر قم (نه استان) است. بنابراین اگر سهم بخش کشاورزی در جذب شاغلین غیررسمی بسیار ناچیز است، طبیعی می‌نماید. همچنین اگر بر اساس برآوردهای این مطالعه، تقریباً نیمی از شاغلین شهر قم غیررسمی هستند (که نسبت به برآوردها در سایر مطالعات، بالاتر است) به این علت است که این مطالعه، سهم «اشتغال غیررسمی» را برآورد کرده است نه سهم اشتغال در بخش غیررسمی را.

در مطالعه رنانی و رضوانی علاوه بر روش میدانی، روش کتابخانه‌ای نیز برای برآورد و محاسبه سهم «اشتغال در بخش غیررسمی» استان قم به کار گرفته شده است. روش مورد

استفاده در این بخش از مطالعه، منطبق با روش به کار رفته در مطالعه رنانی و همکاران (۱۳۸۴) بوده است.

در این مطالعه با استفاده از داده‌های مربوط به آمارگیری‌های فصلی اشتغال بیکاری در سطح استان قم، ضرایب ماتریس سه بعدی «شغل‌فعالیت» به دست آمده و سهم و ساختار اشتغال در بخش غیررسمی استان برای سال‌های ۸۲-۱۳۷۶ محاسبه و شناسایی شده است. عمده‌ترین نتایج این بخش از مطالعه در جدول (۸) نشان داده شده است.

**جدول(۸): سهم و توزیع اشتغال در بخش غیررسمی کل استان قم - براساس مطالعه کتابخانه‌ای**

(درصد)

| ویژگی‌های شاغلین | توزیع کل شاغلین در میان ویژگی‌های مختلف | توزیع کل شاغلین رسمی در میان ویژگی‌های مختلف | توزیع کل شاغلین غیررسمی در میان ویژگی‌های مختلف | سهم شاغلین رسمی | سهم شاغلین غیررسمی | مجموع سهم |
|---|---|---|---|---|---|---|
| شاغلین مرد | ۱۰ | ۹ | ۱۴ | ۷۷ | ۲۳ | ۱۰۰ |
| شاغلین زن | ۹۰ | ۹۱ | ۸۶ | ۶۷ | ۳۳ | ۱۰۰ |
| شاغلین با مدرک دیپلم و بالاتر | ۲۱ | ۲۶ | ۴ | ۹۵ | ۵ | ۱۰۰ |
| شاغین بامدرک پایین‌تر از دیپلم | ۷۹ | ۷۴ | ۹۶ | ۷۲ | ۲۸ | ۱۰۰ |
| شاغلین شهری | ۸۹ | ۹۳ | ۷۵ | ۸۰ | ۲۰ | ۱۰۰ |
| شاغلین روستایی | ۱۱ | ۷ | ۲۵ | ۴۸ | ۵۲ | ۱۰۰ |
| زیر ۱۵ سال | - | - | - | ۵۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| بالای ۶۵ سال | - | - | - | ۵۹ | ۴۱ | ۱۰۰ |
| کارفرما | - | - | - | ۷۹ | ۲۱ | ۱۰۰ |
| کارکن مستقل | - | - | - | ۶۹ | ۳۱ | ۱۰۰ |
| کارکن فامیلی | - | - | - | ۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |
| مزد و حقوق‌بگیر | - | - | - | ۸۳ | ۱۷ | ۱۰۰ |
| خدمات | - | - | ۲۱ | ۹۰ | ۱۰ | ۱۰۰ |
| صنعت | - | - | ۳۴ | ۷۳ | ۲۷ | ۱۰۰ |
| کشاورزی | - | - | ۲۷ | ۲۳ | ۷۷ | ۱۰۰ |
| ساختمان | - | - | ۱۸ | ۷۰ | ۳۰ | ۱۰۰ |
| سرپرست خانوار | - | - | - | ۷۹ | ۲۱ | ۱۰۰ |
| مجموع سهم | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | - | - | ۱۰۰ |

مأخذ: استخراج و جمع‌بندی شده از جداول مختلف در مطالعه رنانی و رضوانی (۱۳۸۵)

بر اساس نتایج برآوردها محققین نتیجه می‌گیرند که تقریباً ۲۳ درصد از شاغلین استان قم در بخش غیررسمی و ۷۷ درصد در بخش رسمی فعالیت دارند. زنان، روستاییان و افراد

پایین‌تر از دیپلم به ترتیب با احتمال بیشتری نسبت به مردان، شهری‌ها و شاغلین دیپلم به بالا جذب فعالیت‌های بخش غیررسمی شده‌اند. فعالان بخش کشاورزی غالباً در بخش غیررسمی شاغل هستند. شاغلین در بخش خدمات غالباً در بخش رسمی فعالیت دارند. مقایسه سهم اشتغال بخش غیررسمی در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز بیانگر این موضوع است که ویژگی‌های «زن بودن»، «روستایی بودن» و «زیر دیپلم بودن» ویژگی‌های غالب غیررسمی بودن در انواع بخش‌های اقتصادی هستند. شاغلین با وضعیت شغلی کارکن مستقل نسبت به سایر وضعیت‌های شغلی (کارفرمایان مزد و حقوق‌بگیران) با احتمال بیشتری جذب فعالیت در بخش غیررسمی می‌گردند. همچنین افرادی که سرپرست خانوار نیستند نسبت به شاغلین سرپرست خانوار با احتمال بیشتری به‌سمت اشتغال در بخش غیررسمی سوق داده می‌شوند.

نکته مهمی که در برآوردهای اشتغال بخش غیررسمی استان قم جلب توجه می‌کند این است که سهم بخش صنعت در جذب شاغلین غیررسمی از همه دیگر بخش‌های اقتصادی حتی کشاورزی بیشتر است. این ویژگی هم با انتظارات نظری و هم تجربه سایر مناطق متفاوت است. البته کوچک‌تر بودن سهم بخش کشاورزی در جذب شاغلین غیررسمی با توجه به عدم استعداد طبیعی این استان برای فعالیت‌های کشاورزی طبیعی است. اما برای درک علت بالا بودن سهم صنعت در مقایسه با خدمات در جذب شاغلین غیررسمی، لازم است ساختار اقتصاد این استان مورد بررسی قرار گیرد.



**جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

تا این جا ـ به گونه‌ای مختصر ـ مروری بر مجموعه مطالعات مربوط به بخش و اشتغال غیررسمی در ایران انجام گرفت. با ملاحظه مجموعه این مطالعات می‌توان برخی نتایج عمومی‌که در غالب مطالعات تأیید شده نسبی شده است را برای اقتصاد ایران استخراج کرد.

همان گونه که دیدیم، تعریف بخش غیررسمی از دیدگاه نظری تا حدود زیادی مشخص و مرزهای مفهومی‌آن با سایر مفاهیم مرتبط، به طور نسبی روشن شده است.

اما دشواری اصلی در نحوه عملیاتی کردن این مفهوم و معرفی شاخص‌ها و روش‌های گردآوری اطلاعات برای اندازه‌گیری این مفهوم است. اختلاف برآوردها نیز ـ گرچه تا حدودی ناشی از تفاوت در تعاریف است اما، به‌ویژه در مطالعات اخیر ـ بیشتر ناشی از اختلاف در

روش‌های عملیاتی کردن مفاهیم بوده است. درباره عوامل شکل‌گیری بخش غیررسمی نیز در مطالعات مختلف نگاه‌های متفاوتی وجود داشت. اما در یک جمع‌بندی می‌توان گسترش این بخش را حاصل مجموعه‌ای از شرایط نظیر عقب ماندگی و چسبندگی نهادی، ناکارایی بوروکراسی دولت، رشد نامتوازن اقتصاد، پایین بودن سرمایه انسانی، عقب ماندگی و نایکپارچگی بازارهای مالی، بی‌ثباتی‌ها و شرایط پر خطر (ریسکی) اقتصاد، سیاست‌های ناهمگون، هزینه مبادله بالا، ناتوانی دولت در حفاظت از حقوق مالکیت (عقب ماندگی نظام حقوقی نسبت به نظام اقتصادی)، فقر عمومی و رشد نامتناسب جمعیت دانست.

بخش غیررسمی، خدماتی نیز برای اقتصاد به همراه دارد. مهم‌ترین آنها ایجاد فرصت‌های اشتغال برای آن بخش از نیروی کار است که از برابری فرصت یا مزیت کافی (سرمایه انسانی) برای رقابت در کسب فرصت‌های شغلی در بخش رسمی برخوردار نیست. همچنین تامین معیشت برای بخشی از جمعیت، ایجاد امکان استفاده از سرمایه‌های کوچک، انعطاف‌پذیری بالا، کاهش هزینه‌های تولید و گسترش رقابت داخلی را می‌توان از جمله خدمات بخش غیررسمی برشمرد. در واقع در پاسخ به عقب ماندگی‌های نهادی اقتصاد و ناتوانی ساختاری دولت در انجام وظایف سنتی‌اش، بخش غیررسمی شکل می‌گیرد تا از سایر فرصت‌ها و نیروها و عوامل اقتصاد ـ که در بخش رسمی به کار گرفته نشده‌اند ـ نیز به خوبی استفاده شود.

درباره وضعیت بخش غیررسمی در فرایند جهانی شدن نیز باید گفت تجربه سایر کشورها نشان داده است که الگوی یگانه‌ای نه برای کشورها و نه برای بخش‌های اقتصاد وجود ندارد. تجربه، هم بیانگر گسترش و هم بیانگر کاهش بخش غیررسمی در فرایند جهانی شدن است. این که در یک کشور کدام وضعیت اتفاق بیفتد بستگی به نوع فعالیت‌ها، ساختار اقتصاد، قوانین حاکم بر اقتصاد و روش پیوستن به سازمان تجارت جهانی دارد. خود بخش غیررسمی نیز در فرایند جهانی شدن هم می‌تواند به عنوان یک مانع عمل کند و هم به عنوان یک عامل تسهیل‌گر.

در مورد برخورد دولت با بخش غیررسمی باید تأکید کرد که دولت نباید به بخش غیررسمی به عنوان یک بخش مخرب یا زاید نگاه کند. دولت باید فعالیت‌های این بخش را به رسمیت بشناسد، حجم، ساختار و نقش آن را در سیاست‌گذاری‌ها ملاحظه کند و بکوشد با مقررات زدایی و نیز اتخاذ سیاست‌های تدریجی و شفاف، به ارتقاء واحدهای این بخش کمک کند.

مجموعه برآوردهای مربوط به‌اندازه اشتغال در بخش غیررسمی در ایران (و نیز برآوردهای مربوط به سهم کلی این بخش در تولید ملی) بیانگر آن است که در هر صورت و با هر معیاری، این سهم، نسبتا بالا ست. گرچه دامنه برآوردهای مربوط به سهم کلی اشتغال غیررسمی در اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب بین ۱۰ تا ۶۰ درصد بوده است، اما بیشتر مطالعات اخیر (به‌ویژه مطالعات کمی) و نیز برآوردهای به دست آمده از معیارهای مختلف بیانگر آن است که این سهم در دامنه ۳۰ تا ۵۰ درصد قرار دارد. همچنین از مجموعه برآوردها و سایر شواهد می‌توان نتیجه گرفت که سهم اشتغال بخش غیررسمی در ایران در سه دهه اخیر با روندی نسبتاً آرام در حال افزایش بوده است.

از نظر رابطه دو بخش رسمی وغیررسمی، حداقل نمی‌توان انتظار داشت که با گسترش اشتغال در بخش رسمی، اشتغال در بخش غیررسمی کوچک شود. در واقع می‌توان گفت که ظاهراً گسترش بخش غیررسمی ناشی از کوچک شدن بخش رسمی نیست بلکه ناشی از مشکلات ساختاری و به‌ویژه عقب ماندگی‌های نهادی نظام سیاسی و اجتماعی ایران و نیز ناکارایی نظام بوروکراتیک دولتی است. همچنین رکود مزمن را می‌توان یکی از عوامل گسترش بخش غیررسمی به شمار آورد.



احتمال ورود هر شاغل زن به بخش غیررسمی تقریباً دو برابر هر شاغل مرد است و احتمال ورود هر شاغل روستایی به بخش غیررسمی سه برابر شاغلین شهری است. همچنین احتمال ورود هر شاغل زیر دیپلم به بخش غیررسمی تقریباً پنج برابر شاغلین دیپلم و بالاتر است. از نظر ساختار و نحوه توزیع شاغلان غیررسمی در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران نیز باید گفت بیشترین سهم جذب شاغلان غیررسمی (از کل شاغلان غیررسمی) به بخش کشاورزی اختصاص داشته است و پس از آن معمولاً صنعت قرار داشته است. بخش‌های خدمات و ساختمان نیز جایگاه‌های بعدی را داشته‌اند. این وضعیت از منظر این که از کل شاغلان هر بخش چه سهمی به شاغلان غیررسمی اختصاص دارد نیز به همین ترتیب است. یعنی بخش کشاورزی درصد بسیار بالایی از شاغلانش به صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند و پس از آن صنعت دارای رتبه دوم است. نکته مهم این است که این وضعیت خلاف انتظار عمومی‌و برخی یافته‌های تجربی مطالعات سایر مناطق است. معمولاً انتظار این است که پس از بخش کشاورزی، بخش خدمات، هم بیشترین سهم از کل شاغلان غیررسمی را به خود اختصاص دهد و هم سهم شاغلان غیررسمی از کل شاغلان بخش خدمات در مقایسه با

صنعت بیشتر باشد. اما ظاهراً این وضعیت در ایران کاملاً برعکس است که مستلزم بررسی است.

همچنین از نظر وضعیت شغلی، همواره کارکنان مستقل بیشترین سهم را در اشتغال غیررسمی داشته‌اند. معمولاً پس آنها مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی بوده‌اند (بدون در نظر گرفتن کارکنان خانواری). درباره وضعیت تأهل نیز باید گفت شاغلین متاهل و نیز شاغلین سرپرست خانوار با احتمال کمتری به سوی بخش غیررسمی جذب شده‌اند. بنابراین مسئولیت خانوادگی احتمال یا انگیزه افراد برای اشتغال در بخش غیررسمی را کاهش می‌دهد.



**پی‌نوشت‌ها:**

۱-Informal Sector

۲- لازم به ذکر است که ویژگی‌های برشمرده شده برای بخش غیررسمی توسط سازمان بین‌المللی کاردر پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی کار سال ۱۹۹۳ مطرح شده است.

۳- برای درک دقیق‌تر مفاهیم «بخش غیررسمی»، «اقتصاد غیررسمی»، «بخش غیرمتشکل»، «اقتصاد سیاه»، «اقتصاد زیرزمینی» «اقتصاد نامنظم» و «اقتصاد غیرقانونی»، به رنانی (۱۳۸۴) مراجعه کنید.

۴-Transaction Cost

۵- به زبان ساده، کارایی (Efficiency) به معنای « درست انجام دادن کارها» است و «درست» در این جا به مفهوم عقلانی و مطابق منافع بودن است. و کارآمدی ( Effectiveness) به معنای «انجام دادن کارهای درست» است. در تصمیمات دولتی هم باید کارا باشد و هم کارآمد. چرا که هم کارهای غلط را می‌توان به خوبی (کارا) انجام داد و کارهای درست را هم می‌توان به صورت بد (ناکارا) انجام داد.

۶ - Sao Paulo بزرگترین شهر برزیل

۷- پایتخت شیلی

۸- یکی از کشورهای جدا شده از یوگوسلاوی سابق

۹- باید توجه داشت که اصولاً فعالیت‌های غیررسمی را به این دلیل «غیررسمی» می‌نامیم که امکان مشاهده و شناسایی آنها به روش‌های رسمی و مرسوم وجود ندارد. بنابراین طبیعی است که نظام‌های آماری رسمی و سنتی نتوانند اطلاعات این فعالیت‌ها را جمع آوری کنند. آن چه لازم است این است که در کشورهایی که حجم این بخش زیاد است، دولت باید به روش‌های مستقیم و غیرمستقیم برآوردی از این فعالیت‌ها فراهم آورده و در محاسبات و برنامه‌ریزی‌های خود لحاظ کند.

۱۰- برای بحث گسترده در این زمینه بنگرید به: هانت (۱۳۵۸)

۱۱- اسناد مالکیتی وقتی شرایط لازم برای فعالیت‌های اقتصادی کارا را فراهم می‌کنند که دارای چهار ویژگی باشند: متحدالشکل رسمی، قابل حمل، و به راحتی (با هزینه کم و به سرعت) قابل واگذاری.

۱۲- دستگاه دادگستری، از دید اقتصادی، وقتی کارآمد است که دارای پنج ویژگی باشد: سریع، ارزان، قاطع، بی‌طرف و همه جا در دسترس.

۱۳- در ادبیات اقتصادی فارسی، اصلاح Trabnsaction Costs گاهی با عنوان «هزینه‌های معاملاتی» نیز ترجمه شده است. اما از نظر ما چون «مبادله» واژه‌ای فراگیرتر از «معامله» است و شامل مبادله حقوق غیراقتصادی (نظیر ازدواج، تعهدات اخلاقی و ...) نیز می‌شود، اصطلاح «هزینه مبادله» مناسب‌تر است.

۱۴- برای بحث در این باره بنگرید به: رنانی (۱۳۸۴)

۱۵- در مورد تحولات هزینه مبادله در ایران در سال‌های اخیر بنگرید به علوی (۱۳۸۴).

۱۶-International Labour Organization

۱۷-Fifteenth International Conference of Labour Statisticians, Geneva ۱۹-۲۸ Jan. ۱۹۹۳

۱۸-Own- Account Enterprise

۱۹-Enterprise of Informal Employer

۲۰- The Commonwealth of Independent States شامل یازده کشور از کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق

۲۱- Ad Hoc

۲۲ -کلیه مطالب مربوط به این سه منطقه از (Lubell, H. ۱۹۹۱) اقتباس شده است.

۲۳ - Sub-Saharan Africa شامل کشورهای آفریقایی به جز کشورهای شمال آفریقا

۲۴ -فعلاً این عنوان را برای «اشتغال در بخش غیررسمی» در نظر گرفته‌ایم. اما همچنان که در ادامه خواهد آمد، واژه «اشتغال غیررسمی» معنی تخصصی خاص خود را دارد و در سال ۲۰۰۰ از سوی سازمان بین‌المللی کار وضع شد تا شاغلین غیررسمی بخش رسمی را نیز در برگیرد. بنابراین در این متن، جز در مواردی که تصریح شده است، واژگان «اشتغال غیررسمی» و «شاغلین غیررسمی» نیز همان مفهوم «اشتغال در بخش غیررسمی» را دارند.

۲۵ -نایب پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در رشته اقتصاد، در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه اصفهان دفاع کرده است.

۲۶- باباحیدری پایان نامه خود را در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه اصفهان دفاع کرده است.

۲۷-Multiple Indicators and Multiple Causes

۲۸- همکاران رنانی در این مطالعه ساغر باباحیدری (کارشناس ارشد اقتصاد) محمد میرزایی (کارشناس ارشد برنامه ریزی) و حسن ورمزیار (کارشناس ارشد اقتصاد) بوده‌اند.

۲۹ -بر اساس کدهای (ISCO of Occupations) International Standard Classification The

۳۰- بر اساس کدهای (ISIC (The International Standard Industrial Classification

۳۱ -همکاران رنانی در این مطالعه ساغر باباحیدری (کارشناس ارشد اقتصاد)، شیرین اربابیان (دانشجوی دکتری اقتصاد) محمدمیرزایی (کارشناس ارشد برنامه ریزی)، مصطفی دین محمدی (دانشجوی دکتری اقتصاد)، حسن ورمزیار (کارشناس ارشد اقتصاد) و محمد تقی فیاضی (کارشناس ارشد اقتصاد) بوده‌اند.

۳۲- Keyt Hart

۳۳-Deseto

۳۴- اصطلاح «اشتغال غیررسمی» اولین بار توسط سازمان بین‌المللی کار برای بیان مفهوم «کار مناسب و اشتغال غیررسمی در سال ۲۰۰۲ مطرح شد. در واقع نکته این بود که حتی در بخش رسمی هم برخی شاغلین هستند که به طور غیررسمی به کار مشغولند. معمولاً در مطالعات مربوط به «اشتغال در بخش غیررسمی» این دسته از شاغلین نادیده گرفته می‌شوند و فقط به شاغلین خود بخش غیررسمی پرداخته می‌شود. اما «اشتغال غیررسمی» شامل شاغلین در بخش غیررسمی بعلاوه شاغلین غیررسمی در بخش رسمی می‌شود.

## منابع فارسی:


-اسفندیاری، علی اصغر وجمال منش، آرش (۱۳۸۱)؛ **«اقتصاد زیر زمینی و تاثیر آن بر اقتصاد ملی»**، مجله برنامه و بودجه، سال هفتم، شماره ۵، ص.ص. ۱۱۴-۸۱..

- اشرف زاده، حمید و مهرگان، نادر (۱۳۷۸)، **«تخمین حجم فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی در ایران با استفاده از روش تقاضا برای اسکناس و مسکوک در گردش»**، مجموعه مقالات سومین همایش بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن. آذر ۱۳۷۸، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد، ص ۲۵-۴۴.

- اعظم بیگی، علی (۱۳۷۶)، **«جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران»**، مجله برنامه و بودجه، آبان و آذر ۱۳۷۶، شماره ۱۹ و ۲۰ ص ۱۳-۹۵.

- باقری، فریده و همکاران (۱۳۸۰)، **«روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران»**، مرکز آمار ایران، گروه پژوهش آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار.

- باباحیدری، ساغر (۱۳۸۰)، **«اندازه‌گیری و بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیررسمی ایران»**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان

- توماس، جی‌جی و همکاران. (۱۳۷۶)، **«اقتصاد غیررسمی»**، ترجمه و تلخیص منوچهر نوربخش و کامران سپهری، تهران انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

-خلعتبری، فیروزه (۱۳۶۹)، **«اقتصاد زیرزمینی»**، مجله رونق، سال اول، شماره ۲، ص.ص. ۱۸-۱

- دانش، ابوالحسن (۱۳۶۳)، **«عوامل گسترش مشاغل کاذب در شهرهای بزرگ»**، تهران: سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی.

- رنانی، محسن (۱۳۸۰)، **«ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص»**، طرح جامع نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی وزارت علوم و آموزش عالی.

- رنانی، محسن و همکاران (۱۳۸۲)، **«بررسی ساختار اشتغال در بخش غیررسمی استان اصفهان»**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان

- رنانی، محسن و همکاران (۱۳۸۴)، **«بررسی بخش غیررسمی قابل ارتقاء در ایران»**، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارای کشور.

- رنانی، محسن (۱۳۸۴)، **«بازار یا نا بازار؟: بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران»**، چاپ دوم، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی.

- رنانی، محسن و رضوانی، سید عارف (۱۳۸۵)، **«بررسی اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم»**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قم.

- شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰)، **«برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و تحلیل پیدایش آن (رویکرد منطق فازی)»**، پایان‌نامه دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

-صرامی، حسین(۱۳۷۲)، **«مشاغل غیررسمی: بیکاری، نه‌کاری، ناکاری»**، چاپ اول، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- عرب مازاریزدی، علی. (۱۳۸۰)، **«اقتصاد سیاه در ایران»**، پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه علامه‌طباطبائی، تهران.

- علوی، هومن (۱۳۸۴)، **«بررسی روند تحولات هزینه مبادله و پیامدهای آن در اقتصاد ایران»**، ۸۰-۱۳۵۰، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

- محمد بیگی، علی اعظم. (۱۳۷۶)، **«جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران»**، مجله برنامه و بودجه، سال دوم، شماره ۱۹ و ۲۰.

- مهرآرا، محسن، (۱۳۸۰)، **«جایگاه بخش غیررسمی درایجاد اشتغال در ایران»**، مجله راهبرد، تابستان ۱۳۸۰ شماره ۲۰، ص ۱۲۸-۱۵۴.

- نایب، سعید. (۱۳۷۸)، **«بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری در ایران»**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

- هانت، ای. ک. (۱۳۵۸)، **«تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی»**، ترجمه سهراب بهداد، شرکت سهامی‌کتاب‌های جیبی تهران.

- هدایت، محمود و باقریان، میترا. (۱۳۶۸)، **«بررسی بخش غیرمتشکل در ایران»**، تهران، سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی.

منابع انگلیسی:


Bernabe, S (2002). ***«A Profile of In Formal Employment: the Case of Georgia»***, Working Paper, ILO, Geneva.

De Soto, H (1989). ***The Other Path: the Invisible Revolution in th. third World***. New York: Harper and Row.

Feige, E.L, (1990). ***«Defining and Estimsting Underground and In Formal Economies: the new Institional Economics Approach»***, World Development, 18:7. PP. 989-1002.

Hussmanns, R and Mehran, F ( ). ***«Statistical Definition of the Informal Sector-International Standerds and national Practicej»***, ILO, Geneva.

ILO. (1993), ***"Report of the conference"***, Fifteenth International Conference of labour Statisticians. Geneva.

ILO (2002). ***«Report VI: Decent Work and the Informal Economy»***, Sixth Item on the Agenda, 90th Session, ILO, Geneva.

Khalatbari, F (1994). ***«Iran: A Unique ground Economy»***, In: The Economy of Islamic Iran: Between State and Market, Edited by Coville, T., Tehran: Institute Francais de Recherche en Iran.

Kuchta- Helbling, C. (2000). ***«Background Paper- Barriers to Participation: the Informal Sector in Emerging Democracies»***, Center For International Private Enterprise, Program officer, Latin America, Research and Advocacy.

Loayza, Norman A (1997). ***«the Economics of the Informal Sector»***. A Simple Model and Some Emprical Evidence From Latin America.

Lubell, H. (1991), ***"The informal sector in the 1980s and 1990s"***, Paris: OECD Development Center.